

مبانی و اصول جبران خسارت بدنی در حوادث هسته‌ای؛ با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه و کنوانسیون‌های بین‌المللی

(نوع مقاله، علمی-پژوهشی)

محمدهادی جواهرکلام^۱

چکیده

در این مقاله، مبانی و اصول جبران خسارت بدنی در حوادث هسته‌ای، با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه و کنوانسیون‌های بین‌المللی، مورد مطالعه قرار گرفته است. هدف از پژوهش حاضر، ارائه الگویی برای تأسیس نظام خاص جبران خسارت بدنی در حوادث اتمی در حقوق ایران بود. پرسش اصلی این بود که در نظام‌های حقوقی پیشرفته مسئولیت مدنی، در حوادث هسته‌ای مسئولیت بر چه مبنایی استوار شده و جبران خسارت قربانیان حوادث هسته‌ای از چه اصولی تبعیت می‌کند؟ با روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و با مطالعه موضوع در حقوق فرانسه و اسناد بین‌المللی، به این نتیجه رسیدیم که مسئولیت مدنی در حوادث هسته‌ای به سمت بهره‌بردار هسته‌ای هدایت شده و ضمان مبتنی بر تقصیر نیست؛ بلکه حتی علل معافیت از مسئولیت بسیار محدود شده و چه بسا قوه قاهره و تقصیر شخص ثالث مانع از مسئولیت بهره‌بردار هسته‌ای نیست. همچنین، از طریق بیمه و مسئولیت دولت‌های عضو کنوانسیون‌ها و نظایر آن سعی شده است صندوقی برای جبران خسارت حوادث هسته‌ای پیش‌بینی و منابع مالی آن تأمین شود. در حالی که در حقوق ایران مسئولیت ناشی از حوادث هسته‌ای تابع قواعد عام مسئولیت مدنی است و هیچ حمایت مؤثری از قربانیان فجایع اتمی به عمل نمی‌آورد. از این رو، پیشنهاد می‌شود «نظام خاص جبران خسارت حوادث هسته‌ای» با تمرکز بر مسئولیت دولت و پیش‌بینی صندوق مستقلی، تأسیس گردد.

کلیدواژه‌ها: حوادث هسته‌ای، جبران خسارت بدنی، مبنای مسئولیت مدنی، بهره‌بردار هسته‌ای، صندوق جبران خسارت.

۱. عضو هیأت علمی گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

تاکنون وقوع حوادث هسته‌ای در دنیا چندان شایع نبوده است؛ ولی در همان مصادیقی هم که این نوع حوادث روی داده، خسارت‌های واردشده به قدری فوق‌العاده و شدید بوده است که کشورهای مختلف را به پیش‌بینی نظام خاص جبران خسارت ناشی از حوادث اتمی سوق داده است. بمباران اتمی هیروشیما و ناگازاکی (حادثه عمدی) و حادثه هسته‌ای در چرنوبیل و فوکوشیما (حادثه ناخواسته)، چهار واقعه مهم هسته‌ای هستند که خسارت‌های بی‌شماری به بار آوردند؛ به نحوی که در بمباران اتمی هیروشیما و ناگازاکی (ناگاساکی)، در تاریخ ۶ و ۹ اوت ۱۹۴۵، این دو شهر با خاک یکسان شدند و حدود ۲۲۰ هزار نفر در اثر این دو بمباران اتمی جان باختند که بیشتر آنان شهروندان غیرنظامی بودند. حادثه اتمی چرنوبیل در اتحادیه جماهیر شوروی مورخ ۲۶ آوریل ۱۹۸۶ نیز، صدمات شدیدی بر جای گذاشت و خسارت‌های بدنی ناشی از آن، حتی سال‌ها پس از وقوع حادثه نیز مشهود است؛ به طوری که ممکن است ۵۰ سال پس از وقوع این حادثه، هزاران فوت ناشی از سرطان در اتحادیه جماهیر شوروی سابق و هزاران فوت در اروپا قابل انتساب به تشعشعات دریافت‌شده از حادثه هسته‌ای مزبور باشد؛ و حتی ارزیابی می‌شود که حدود ۲۰۰ هزار نفر در طول عملیات‌های نجات در معرض تشعشعات قرار گرفته باشند. در سال ۲۰۰۰، تعداد سرطان‌های تیروئید قابل رؤیت در کودکان اوکراینی، روسی و بلاروسی را تا ۱۸۰۰ مورد محاسبه کردند، که این مقدار می‌تواند در سال‌های آتی افزایش یابد. در حادثه هسته‌ای فوکوشیما ژاپن، در تاریخ ۲۱ مارس ۲۰۱۱ هم، که نیروگاه فوکوشیما در پی زلزله‌ای شدید دچار سونامی بسیار وسیعی گردید و خرابی‌های چشمگیری پدید آمد، فاجعه هسته‌ای شدیدی رخ داد و دست‌کم به میزان فاجعه چرنوبیل مصیبت‌بار بود، ولی حتی هنوز هم نمی‌توان گزارش دقیقی از آن به دست داد (Lambert-Faivre et Porchy-Simon, 2016: no 968-969; Heffron, 2016: 2 & s)؛ استوبیر و دیگران، حقوق هسته‌ای، ص ۱۷۱).

حوادث هسته‌ای یادشده، نگرانی شدید دولت‌ها را در پی داشته و عکس‌العمل جدی کشورها را به ویژه از طریق تصویب کنوانسیون‌های بین‌المللی و ایجاد «نظام ویژه جبران خسارت ناشی از

حوادث هسته‌ای» به همراه داشته است. در واقع، احتمال وقوع حوادث هسته‌ای و خسارت‌های بی‌شمار ناشی از آن همواره وجود دارد. بر همین اساس، امروزه شاهد نهضت جهانی مقابله با آثار زیانبار حوادث اتمی و تشکیل «نظام جهانی جبران خسارت هسته‌ای» هستیم. چرا که وقوع برخی از حوادث اتمی در جهان، خسارت‌های بی‌شماری به بار آورده است که جبران آنها، جز از طریق توسل به صندوق‌های خاص و همکاری بین‌المللی، میسر نیست.

این در حالی است که در کشور ایران، به عنوان یک کشور صاحب انرژی هسته‌ای (که با همت و کوشش دانشمندان هسته‌ای، به این انرژی مفید برای فعالیت‌های صلح‌آمیز دست یافته است)، قربانیان حوادث اتمی از هرگونه حمایت مؤثر و وجود نظام خاص جبران خسارت بدنی محروم‌اند؛ به گونه‌ای که کشور ما نه تنها به کنوانسیون‌های بین‌المللی در این زمینه ملحق نشده، بلکه مقررات حمایتی خاصی را نیز در داخل کشور برای قربانیان حوادث هسته‌ای پیش‌بینی نکرده است. در حالی که حمایت از قربانیان حوادث مزبور، به دلیل احتمال وقوع چنین رخدادی در کشور ما بسیار ضروری به نظر می‌رسد؛ چنان‌که حادثه نطنز در سال ۱۳۹۹ (انفجار سایت هسته‌ای نطنز مورخ ۹۹/۴/۱۲) خطرات ناشی از این صنعت مفید را برای همگان آشکار ساخت و ضرورت تدارک نظام خاص جبران خسارت ناشی از حوادث مزبور را بیش از پیش یادآور شد. از این رو، لازم است قانونگذار جمهوری اسلامی ایران، به عنوان کشور بهره‌مند از انرژی هسته‌ای، برای جبران خسارت‌های احتمالی ناشی از این صنعت سودمند و در عین حال، مخرب و خانمان‌برانداز چاره‌ای بیندیشد؛ قبل از آنکه فاجعه‌ای بزرگ و حادثه‌ای خانمان‌برانداز واقع شود و فرصت پیش‌بینی تدابیر ویژه برای جبران خسارت قربانیان مزبور از دست برود.

در مقابل، در کنوانسیون‌های بین‌المللی و کشورهای مختلف، جبران خسارت‌های هسته‌ای، تابع قواعد بسیار ویژه‌ای است و بسیاری از مبانی و اصول آن با قواعد عمومی تطبیق نمی‌کند. دلیل این امر روشن است: وقوع یک حادثه اتمی ممکن است میلیاردها دلار خسارت به بار آورد (Heffron and Others, 2016: 7; Quéré, 2014: 103; Faure and Fior, 2008: 296) و حیات هزاران انسان را به خطر اندازد؛ چنان‌که خسارات ناشی از فوکوشیما از چهار تریلیون یوند گذشته است

(Swartz, 2016: 344). به این ترتیب، جبران خسارت بدنی در حوادث هسته‌ای، نظام ویژه‌ای می‌طلبد؛ که باید مبانی و اصول آن در اسناد بین‌المللی و حقوق تطبیقی مورد مطالعه قرار گیرد تا الگویی برای نظام تقنینی ما فراهم آید. از این رو، باید به این پرسش پاسخ گفت که مسئولیت مدنی در حوادث هسته‌ای بر چه مبنایی استوار است و تا چه حد با قواعد عمومی تطبیق می‌کند؟ جبران خسارت در حوادث مزبور از چه اصولی تبعیت می‌کند؟ در حقوق ایران، جبران خسارت ناشی از حوادث هسته‌ای از چه مبانی و اصولی پیروی می‌کند و برای حمایت از قربانیان احتمالی حوادث مزبور چه راهکارهایی می‌توان ارائه داد؟

برای پاسخ به پرسش‌های مزبور، ابتدا به اختصار به مفاد کنوانسیون‌های بین‌المللی تصویب‌شده در زمینه جبران خسارت بدنی ناشی از حوادث هسته‌ای پرداخته می‌شود (مبحث نخست). آنگاه، نظام مبانی و اصول جبران خسارت بدنی در حوادث هسته‌ای در حقوق فرانسه مورد بررسی قرار می‌گیرد (مبحث دوم). سپس، مبانی و اصول جبران خسارت بدنی در حوادث هسته‌ای در حقوق ایران مطالعه می‌شود تا ضمن شناسایی قواعد قابل اجرا، راهکارها و اصلاحات لازم پیشنهاد داده شود (مبحث سوم).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مبحث نخست: کنوانسیون‌های بین‌المللی تصویب‌شده در زمینه

جبران خسارت‌های هسته‌ای و اصول حاکم بر آنها

به دلیل گستردگی خسارت‌های ناشی از حوادث اتمی و تهدید حیات و سلامتی انسان در اثر وقوع این دسته از حوادث، چندین کنوانسیون بین‌المللی در زمینه مسئولیت مدنی ناشی از انرژی هسته‌ای به تصویب رسیده است (بند نخست) که از اصول خاصی پیروی می‌کنند (بند دوم).

بند نخست: کنوانسیون‌های بین‌المللی تصویب‌شده در زمینه مسئولیت مدنی

ناشی از حوادث هسته‌ای

مهم‌ترین کنوانسیون‌های بین‌المللی که به منظور جبران خسارت ناشی از حوادث اتمی به تصویب رسیده‌اند، عبارتند از:

۱- کنوانسیون پاریس مورخ ۲۹ ژوئیه ۱۹۶۰، که در چارچوب آژانس اروپایی انرژی هسته‌ای (وابسته به سازمان همکاری اقتصادی اروپا)^۱ تهیه شده و با هدف هماهنگ‌سازی قوانین ملی کشورهای عضو، به مسئولیت مدنی در زمینه انرژی هسته‌ای اختصاص یافته است. این کنوانسیون توسط پروتکل دیگری که در پاریس مورخ ۲۸ فوریه ۱۹۶۴ امضا شده، تکمیل گردیده است. همچنین، کنوانسیون ۱۹۶۰ پاریس از طریق پروتکل تهیه شده در پاریس مورخ ۱۶ نوامبر ۱۹۸۲ اصلاح شد. این پروتکل در فرانسه از طریق حکم شماره ۹۱-۲۷ مورخ ۴ ژانویه ۱۹۹۱ منتشر شد، و مجوز تصویب آن توسط قانون شماره ۹۰-۳۹۷ مورخ ۱۱ مه ۱۹۹۰ داده شد. آخرین اصلاحیه این کنوانسیون، در سال ۲۰۰۲ انجام گرفت که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

۲- کنوانسیون بروکسل مورخ ۳۱ ژانویه ۱۹۶۳، که کنوانسیون تکمیلی برای کنوانسیون پاریس ۲۹ ژوئیه ۱۹۶۰ است و از طریق پروتکل تکمیلی امضا شده در پاریس مورخ ۲۸ ژانویه ۱۹۶۴ تکمیل شده است. کنوانسیون بروکسل نیز افزون بر اصلاحیه ۱۹۶۴، در سال‌های ۱۹۸۲ و

۱. OEEC که اکنون به سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) تغییر یافته است.

۲۰۰۲ اصلاح شده است. هدف این کنوانسیون، تأمین منابع مالی بیشتر برای جبران خسارت‌های ناشی از حوادث هسته‌ای از طریق متعهد کردن دولت‌ها به تأسیس صندوق تکمیلی بین‌المللی بوده است.

۳- کنوانسیون وین مصوب ۲۱ مه ۱۹۶۳، با موضوع مسئولیت مدنی ناشی از حوادث هسته‌ای، که تقریباً همان مفاد کنوانسیون ۱۹۶۰ پاریس را تکرار نموده، از سوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، به مذاکره گذاشته شده و در نهایت، پذیرفته شده است. این کنوانسیون در سال ۱۹۷۷ لازم‌الاجرا شد و در سال ۱۹۸۸ برای مرتبط کردن کنوانسیون وین و کنوانسیون پاریس و پوشش خسارت‌های ناشی از حوادث هسته‌ای که حادثه در قلمرو کشور عضو یک کنوانسیون واقع شده و خسارت در کشور عضو کنوانسیون دیگر پدید آمده، پروتکلی از سوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و آژانس اروپایی انرژی هسته‌ای (سازمان همکاری اقتصادی اروپا) تدوین شد که در سال ۱۹۹۲ لازم‌الاجرا گردید. همچنین، در سال ۱۹۹۷ پروتکل اصلاح کنوانسیون وین و کنوانسیون تکمیلی جبران خسارت ناشی از حوادث هسته‌ای، با هدف گسترش تضمین‌های جبران خسارت هسته‌ای و «ایجاد صندوق بین‌المللی جبران خسارت هسته‌ای»^۱ و «نظام جهانی مسئولیت هسته‌ای»^۲ برای جبران زیان‌های مزبور در مواردی که تضمین‌های پیش‌بینی شده از جمله بیمه‌ها برای جبران تمام خسارت‌ها کافی نیستند، به تصویب رسیدند. کنوانسیون مزبور در سال ۲۰۱۵ لازم‌الاجرا شده است.

۴- پروتکل‌های بازبینی کنوانسیون پاریس و بروکسل مورخ ۱۲ فوریه ۲۰۰۴، که در مقر سازمان اروپایی همکاری اقتصادی امضا شده است. این پروتکل‌ها در خصوص مبالغ کل جبران خسارت و حداکثر مسئولیت در صورت بروز حادثه هسته‌ای، بهبود اساسی را به وجود آوردند و با کنوانسیون ۱۹۶۳ وین مربوط به مسئولیت مدنی در زمینه خسارت‌های هسته‌ای و پروتکل ۱۹۹۷ اصلاح

1. International fund.
2. Global nuclear liability regime.

کنوانسیون وین در مورد غرامت تکمیلی خسارت‌های هسته‌ای کاملاً سازگاری دارند (Faure & Borre, 2008: 235-237; Schwartz, 2006: 41-53; Lambert-Faivre et Porchy-Simon, 2016 : no 970; OECD, 1994: 41-58 & 93-97; McRae, 2015: 7-25; Sands, 1988: 51 & s.; McRae, 2012: 17 & s.; Bellamy, 2019: 108-120; Heffron and Others, 2016: ^۱(<https://www.iaea.org/publications/documents/1-10>).

پروتکل ۱۲ فوریه ۲۰۰۴ به ویژه اصلاحات زیر را در بر می‌گیرد: ۱- در مورد ماهیت خسارات، این اصلاحیه به صراحت خسارت‌های غیرمادی، هزینه اقدامات احیای محیط زیست و اقدامات حفاظتی انجام شده پس از وقوع حادثه را در نظر می‌گیرد. همچنین، در میان این اقدامات، باید از تخلیه و اسکان جمعیت‌های اطراف محل وقوع حادثه و نیز تعطیلی موقت شرکت‌ها در اثر تخلیه کارکنان آنها نام برد. این اقدامات ممکن است متضمن هزینه‌های قابل توجهی باشد. به علاوه، خسارت‌های بدنی، یعنی لطمه به تمامیت جسمی یا روحی افراد، همواره در مرکز دغدغه‌ها و محور اقدامات صورت گرفته در این زمینه بوده‌اند. افزون بر آن، بحث جدیدی درباره «خسارت‌های اقتصادی محض»^۲ مطرح شده است که خارج از موضوع ما است. ۲- مبلغ کل مسئولیت ایجاد شده نیز مورد بازبینی قرار گرفته و حداقل مبلغ کل مسئولیت بهره‌بردار ۷۰۰ میلیون یورو تعیین شده است. البته این مبلغ برای بهره‌برداریهایی با خطر جزئی، ۷۰ میلیون یورو و برای حمل و نقل مواد هسته‌ای ۸۰ میلیون یورو است. ۳- در مورد مهلت مرور زمان، که کنوانسیون پاریس مهلت مرور زمان ده ساله‌ای را از زمان وقوع حادثه پیش‌بینی می‌کند؛ به دلیل آنکه گاهی از زمان قرار گرفتن در معرض مواد رادیواکتیو تا وقوع یا ظهور خسارت‌های بدنی بعدی (مانند سرطان‌ها)، سال‌ها فاصله می‌افتد و نیاز به در نظر گرفتن مدت مرور زمان طولانی‌تری است، مهلت مرور

۱. همچنین، در زمینه پروتکل اصلاحی کنوانسیون وین و کنوانسیون تکمیلی جبران خسارت ناشی از حوادث هسته‌ای در سال ۱۹۹۷ و ایجاد نظام جهانی مسئولیت هسته‌ای پس از حادثه چرنوبیل با استفاده از افزایش میزان خسارت قبل جبران و دخالت دولت‌ها و ایجاد صندوق ویژه جبران خسارت قربانیان هسته‌ای و نیز کاهش شدید موارد معافیت از مسئولیت، ر.ک: (McRae, 2015: 8-23; McIntosh, 1999: 185-192; McRae, 1999: 171-183; Boulanenkov, 1999: 161-170).

2. Préjudice économique pur.

زمان را تا ۳۰ سال برای فوت یا خسارت وارد به اشخاص افزایش دادند. البته، بیمه‌گران نگرانی‌های خود را در این زمینه ابراز کرده‌اند.

همچنین، با حکم شماره ۲۰۱۲-۶ مورخ ۵ ژانویه ۲۰۱۲، مفاد برخی از کنوانسیون‌های پیش‌گفته، در قانون محیط زیست فرانسه گنجانده شده است (ماده ال-۵۹۷-۱ به بعد). با این حال، پروتکل ۲۰۰۴، به دلیل عدم تصویب دولت‌های مورد نیاز، به خاطر تردید بیمه‌گران برای تحت پوشش قرار دادن مبالغ کل تضمین که صراحتاً میزان آن افزایش یافته، هنوز به اجرا در نیامده است. در نتیجه، قانون محیط زیست دو نظام متوالی را پیش بینی می‌کند: نظام قابل اعمال از زمان اجرای پروتکل (ماده ال-۵۹۷-۱ تا ۲۵) و نظام قابل اعمال تا اجرا شدن این پروتکل (ماده ال-۵۹۷-۲۶ تا ۴۶).

افزون بر آن، کنوانسیون اصلاحی پاریس و بروکسل، سه دسته تقسیم‌بندی در زمینه مبلغ کلی خسارت و مسئول پرداخت آن به وجود آورده است: دسته اول مربوط به مبلغ کل مسئولیت بهره‌بردار است که تا مبلغ حداقل ۷۰۰ میلیون یورو می‌رسد. دسته دوم به عهده دولتی است که تأسیسات بهره‌بردار مسئول در آنجا قرار دارد که حداکثر تا ۵۰۰ میلیون یورو می‌رسد. دسته سوم، از طرف تمام دولت‌های معاهد در کنوانسیون تأمین می‌شود و حداکثر تا مبلغ ۳۰۰ میلیون یورو می‌رسد. به این ترتیب، نظام اصلاح شده کنوانسیون پاریس-بروکسل مبلغ کلی جبران خسارت یک و نیم میلیارد یورویی را فراهم می‌کند (Lambert-Faivre et Porchy-Simon, 2016: no 970).

علاوه بر کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های فوق، کنوانسیون مربوط به مسئولیت مدنی در زمینه حمل‌ونقل دریایی مواد هسته‌ای مصوب ۱۹۷۱ و کنوانسیون راجع به مسئولیت مدنی بهره‌برداران کشتی‌های اتمی مصوب ۱۹۶۲ از دیگر موافقت‌نامه‌های مهم این حوزه به شمار می‌آیند.

1. The Convention Relating to Civil Liability in the Field of Maritime Carriage of Nuclear Material (1971), (See: OECD 1994: 59 & s.); برای ملاحظه بحث مفصل در این زمینه، رک:

محسنی و یوسفی، ۱۳۹۶: ۶-۹.

2. The Convention on the Liability of Operators of Nuclear Ships (1962), (See: Hardy, 1963: 778-788; Handrlica, 2009: 315 & s; OECD, 1994: 61).

بند دوم: اصول حاکم بر کنوانسیون‌های بین‌المللی در زمینه مسئولیت مدنی ناشی از حوادث هسته‌ای

با توجه به تفاوت کشورهای امضاکننده و تعداد اعضای کنوانسیون‌های پیش‌گفته و قلمرو جغرافیایی آنها، کنوانسیون‌های فوق به طور کلی به دو دسته تقسیم شده‌اند: کنوانسیون پاریس و کنوانسیون وین. این دو کنوانسیون از جهات مختلف شبیه به یکدیگرند و حتی می‌توان گفت که کنوانسیون وین تکرار کنوانسیون پاریس، با تفاوت‌های جزئی است. اصول مشترک دو کنوانسیون عبارت است از: «اصل کانالیزه کردن و جهت‌دهی مسئولیت به سمت بهره‌بردار و مسئولیت انحصاری بهره‌بردار هسته‌ای»، «اصل مسئولیت محض بهره‌بردار»، «اصل محدودیت مسئولیت بهره‌بردار و تعیین سقف برای مسئولیت او»، «اصل تضمین مالی اجباری برای بهره‌بردار»، «اصل مداخله دولت به منظور جبران تکمیلی خسارت» و «اصل وحدت دادگاه صالح به رسیدگی». در مقابل، تفاوت‌های زیر بین مقررات دو کنوانسیون به چشم می‌خورد: تفاوت در میزان مسئولیت بهره‌بردار هسته‌ای، سطح تضمین مالی مورد نیاز برای بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای و میزان تعهد دولت به جبران خسارت‌های وارده در صورت عدم کفایت پوشش بیمه (OECD, 1994: 44; Faure & Borre, 2008: 226-227 & 232-234; Schwartz, 2006: 42-43).

مبحث دوم: مبانی و اصول جبران خسارت بدنی در حوادث هسته‌ای در حقوق فرانسه

جدای از قوانین تصویب شده و انتشار کنوانسیون‌های بین‌المللی، و با محدود کردن بحث صرفاً به مسئولیت مدنی ناشی از تأسیسات هسته‌ای در حقوق فرانسه، سه قانون مهم در این زمینه تصویب شده است:^۱ ۱- قانون شماره ۶۸-۹۴۳ مورخ ۳۰ اکتبر ۱۹۶۸ مربوط به مسئولیت

۱. قبل از تصویب قوانین مزبور، دو قانون در تاریخ ۱۲ نوامبر ۱۹۶۵ تصویب شد و نظام خاصی را در زمینه مسئولیت مدنی بهره‌برداران تأسیسات هسته‌ای و ناوهای هسته‌ای مقرر نمود (Mazeaud, 1991: 355 et 610; Viney, 2009: 30).

مدنی در حوزه انرژی هسته‌ای،^۱ که مقررات کنوانسیون ۱۹۶۰ پاریس و کنوانسیون تکمیلی ۱۹۶۳ بروکسل را وارد حقوق داخلی فرانسه نمود. ۲- قانون شماره ۹۰-۴۸۸ مورخ ۱۶ ژوئن ۱۹۹۰، که قانون ۳۰ اکتبر ۱۹۶۸ را به ویژه با اعمال به روزرسانی مالی جبران خسارت‌ها، اصلاح می‌کند. ۳- قوانین شماره ۲۰۰۶-۶۸۶ مورخ ۱۳ ژوئن ۲۰۰۶ و شماره ۲۰۰۶-۷۸۶ مورخ ۵ ژوئیه ۲۰۰۶، که قانون ۳۰ اکتبر ۱۹۶۸ را با اصلاحات ایجاد شده در حقوق فرانسه توسط پروتکل‌های بازبینی کنوانسیون‌های پاریس و بروکسل مورخ ۱۲ فوریه ۲۰۰۴ اصلاح کردند. البته، اجرای پروتکل مشروط به پذیرش آن توسط دو سوم طرفین قرارداد است، که هنوز این اتفاق نیفتاده است. این مقررات امروزه به موجب فرمان ۵ ژانویه ۲۰۱۲ در مواد ال-۵۹۷-۱ و مواد بعدی قانون محیط زیست فرانسه درج شده‌اند.^۲

به علاوه، قانون شماره ۲۰۱۰-۲ مربوط به شناسایی و جبران خسارت قربانیان آزمایشات هسته‌ای فرانسه در ۵ ژانویه ۲۰۱۰ توسعه یافت. ماده اول این قانون، حق جبران کامل خسارت را به نفع هر فردی که به دلیل قرار گرفتن در معرض پرتوهای یونیزه ناشی از آزمایشات هسته‌ای فرانسه (که در لیست تعیین شده از سوی حکم شورای دولتی مطابق با مشاغل شناسایی شده از طریق جامعه علمی بین‌المللی ثبت شده است) دچار بیماری ناشی از تشعشعات تابشی شود، به

1. Loi n° 68-943 du 30 octobre 1968 relative à la responsabilité civile dans le domaine de l'énergie nucléaire.

۲- برای روشن شدن بحث، توضیح بیشتر دو نکته در این زمینه، مفید است: اول آنکه، پروتکل ۱۲ فوریه ۲۰۰۴ که اصلاحاتی را در کنوانسیون پاریس ۱۹۶۰ و کنوانسیون تکمیلی آن (بروکسل) ۱۹۶۳ به وجود آورد، هنوز لازم‌الاجرا نشده است. بنابراین، گرچه قانونگذار فرانسوی مفاد پروتکل ۲۰۰۴ را در قوانین داخلی خود گنجانده، ولی اجرای آنها منوط به لازم‌الاجرا شدن پروتکل ۲۰۰۴ است. دوم اینکه، قانون محیط زیست فرانسه در زمینه مسئولیت هسته‌ای، دارای دو دسته مقررات است: در حال حاضر، مواد ال-۵۹۷-۲۶ تا ۴۶ به موجب فرمان ۲۰۱۲ لازم‌الاجرا هستند و سه ماه پس از اجرایی شدن پروتکل ۲۰۰۴ این مواد نسخ خواهند شد. در مقابل، مواد ال-۵۹۷-۱ تا ۲۵ قانون محیط زیست قرار دارد که فعلاً اجرایی می‌شوند، بلکه سه ماه پس از لازم‌الاجرا شدن قانون ۲۰۰۴ اجرا خواهند شد. تفاوت دو دسته از مقررات، در گستره حمایت‌هایی است که از زیان‌دیده به عمل می‌آید؛ چرا که پروتکل ۲۰۰۴ و مواد ال-۵۷۹-۲۶ به بعد بر میزان خسارت قابل جبران افزوده است.

رسمیت می‌شناسد. دادخواست جبران خسارت باید نزد کمیسیون موردی، که نقش آن توسط ماده ۴ قانون تعیین می‌شود، طرح گردد (Lambert-Faivre et Porchy-Simon, 2016: no 971).

برای مطالعه موضوع در حقوق فرانسه، مبانی و احکام مربوط به ایجاد مسئولیت در حوادث هسته‌ای (بند نخست) و اصول جبران خسارت بدنی در حوادث هسته‌ای؛ انواع تضمین‌های پیش‌بینی شده (بند دوم) مورد بررسی قرار می‌گیرند.

بند نخست: مبانی و احکام مربوط به ایجاد مسئولیت در حوادث هسته‌ای

تعیین مسئول و مبانی مسئولیت مدنی در حوادث هسته‌ای و محدوده مسئولیت (خسارت قابل جبران) در حوادث اتمی به عنوان مهم‌ترین مبانی ایجاد مسئولیت در حوادث هسته‌ای، در ادامه بررسی می‌شوند.

الف - تعیین مسئول (مسئولیت بهره‌بردار هسته‌ای)

مسئولیت ناشی از تأسیسات هسته‌ای، تابع نظام خاصی است و تأسیسات هسته‌ای، که مربوط به راکتورهای کوچک تحقیقاتی یا مرکز هسته‌ای صنعتی، کارخانه‌های تهیه یا ساخت مواد هسته‌ای، کارخانه‌های بررسی سوخت‌های پرتوزا یا تأسیسات ذخیره‌سازی مواد هسته‌ای است، همگی در حوزه مسئولیت مدنی خاص ناشی از تأسیسات هسته‌ای قرار می‌گیرند. در مقابل، این نظام استثنایی درباره موادی که خطر زیادی به همراه ندارند، اجرا نمی‌شود. بنابراین، حتی اگر قواعد حقوق عرفی برای خطرات رادیو-ایزوتوپ‌ها هنگام استفاده در امور صنعتی، تجاری، کشاورزی، پزشکی یا علمی کافی نباشد، نمی‌توان به نظام جبران خسارت حوادث هسته‌ای پناه برد (Lambert-Faivre et Porchy-Simon, 2016: no 972. OECD, 1994: 27).^۲

1. Radio-isotopes.

۲- برای تعیین مفهوم حادثه در حوادث هسته‌ای، از منظر کنوانسیون‌های پاریس و وین، راک: (OECD, 1994: 46; McRae, 1998: 9-11).

افزون بر آن، در حقوق فرانسه، همانند دیگر نظام‌های حقوقی، پذیرفته شده است که نظام خاص مسئولیت ناشی از حوادث هسته‌ای، در صدد آستی دادن منافع متناقض صنعت هسته‌ای است؛ زیرا از یک طرف، لازم است از قربانیان بالقوه در مقابل خطرات وحشتناک رادیواکتیو حمایت شود و از طرف دیگر، توسعه مسئولیت مدنی در حوادث هسته‌ای و مسئولیت نامحدود در این حوزه، که برای آن هیچ‌گونه تضمین مالی امکان‌پذیر نیست، مانع از ادامه حیات این رشته از دانش بشری می‌گردد (Lambert-Faivre et Porchy-Simon, 2016: no 972).

برای جمع منافع متناقض در صنعت هسته‌ای، در حقوق فرانسه همانند کنوانسیون‌های بین‌المللی (ماده ۶ کنوانسیون پاریس و ماده ۵ کنوانسیون وین)، دعوای قربانی منحصرأ به سمت بهره‌بردار هسته‌ای هدایت می‌شود^۱ (مواد ال-۵۹۷-۲ و ۲۷ قانون محیط‌زیست). مسئولیت انحصاری بهره‌بردار هسته‌ای از ویژگی‌های منحصر به فرد حوادث هسته‌ای است که در کنوانسیون‌های بین‌المللی و حقوق فرانسه مورد توجه قرار گرفته و به این ترتیب، اصل تمرکز مسئولیت در بهره‌بردار پذیرفته شده است. در حقیقت، در حوادث هسته‌ای تمام مسئولیت به سمت یک شخص هدایت می‌شود و تنها بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای که حادثه هسته‌ای در آن ایجاد می‌شود، مسئولیت دارد و هیچ شخص دیگری (هرچند مطابق قواعد عمومی مسئول باشد) نسبت به زیان‌های ناشی از حوادث هسته‌ای مسئولیتی نخواهد داشت (Ibid, 2016: no 973; Ollier, 1983: 59-60, Viney et Jourdain, 1998: 626). البته در زمان تصویب پروتکل ۱۹۸۸ این بحث وجود داشت که دولت را مسئول جبران خسارت‌های ناشی از حوادث هسته‌ای بشناسند، زیرا حادثه چرنوبیل نشان می‌داد که تنها دولت می‌تواند با استفاده از منابع مالی گسترده، خسارت وارد بر قربانیان را جبران کند. اما به دلیل آنکه در اکثر کشورهای پیشرفته دارای صنعت هسته‌ای، در اختیار داشتن تأسیسات اتمی و انجام فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای با اشخاص خصوصی و غیردولتی است، پذیرش مسئولیت دولت در این زمینه موجب رواج بی‌احتیاطی و کاهلی متصدیان

1. L`action de la victim est canalizé sur dl`exploitant nucléaire.

فعالیت‌های صنعتی و در نتیجه، افزایش حوادث اتمی و وقوع خسارت‌های خانمان‌برانداز و تحمیل خسارت‌های هنگفت به دولت خواهد شد. به این دلیل، تدوین‌کنندگان کنوانسیون‌ها و قانونگذاران داخلی کشورها، مسئولیت ناشی از حوادث هسته‌ای را صرفاً به سمت بهره‌برداران هسته‌ای سوق دادند (De La Fayette, 1992: 10; Lamm, 1998: 10).

در هر حال، بهره‌بردار، شخص ذینفع پروانه یا مجوز اداری مورد نیاز است. به عبارت دیگر، بهره‌بردار شخصی است که به وسیله دولت با اعطای مجوز لازم به عنوان بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای تعیین یا شناخته شده است (ماده یک کنوانسیون پاریس). این شخص ممکن است شخص حقیقی یا هر نهاد خصوصی یا عمومی باشد که مسئولیت ایمنی تأسیسات هسته‌ای را بر عهده دارد.

اصل جهت‌دهی و تمرکز (کانالیزه کردن) مسئولیت به سمت بهره‌دار این نتیجه را در پی دارد که حتی اگر شخص دیگری غیر از بهره‌بردار سبب خسارت شده باشد، باز هم بهره‌بردار مسئولیت دارد و دعوا علیه او طرح خواهد شد. به علاوه، بهره‌بردار پس از جبران خسارت زیان‌دیده، حق رجوع به شخصی که سبب خسارت شده است نخواهد داشت. البته هر دو اصل یادشده، دارای استثناهای بسیار محدودی هستند (Ollier, 1983: 59-60; Heffron and Others, 2016: 3-4; OECD, 1994: 23-24; Lambert-Faivre et Porchy-Simon, 2016: no 973; Faure & Borre, 2008: 233-234)؛ که در ادامه مطرح می‌شوند. به علاوه، هنگامی که حادثه هسته‌ای حین حمل و نقل مواد هسته‌ای رخ می‌دهد، متصدی حمل و نقل به طور کلی در وضعیت بررسی پیشگیری‌های انجام شده توسط فرستنده مواد رادیواکتیو در مورد بسته‌بندی و انسداد ظروف قرار ندارد؛ بلکه تکلیف بسته‌بندی و انسداد کامل مخزن حمل مواد رادیواکتیو بر عهده فرستنده (بهره‌بردار) است و تنها او در این زمینه مسئولیت دارد، و این مسئولیت هنگامی خاتمه می‌یابد که مواد رادیواکتیو به دست بهره‌بردار دیگر تأسیسات هسته‌ای که از حیث جغرافیایی در حوزه دولت عضو کنوانسیون پاریس واقع شده است، برسد (Faure & Borre, 2008:233-234; Lambert-). (Faivre et Porchy-Simon, 2016, no 973

اصل جهت‌دهی مسئولیت به سمت بهره‌بردار با این ایراد مواجه شده است که چرا زیان‌دیده و بهره‌بردار (پس از جبران خسارت)، نتواند به عامل زیان رجوع کند؟ این قاعده بر خلاف قواعد سنتی حقوق مسئولیت مدنی است و با انصاف و عدالت نیز سازگاری ندارد. افزون بر آن، عامل خسارت از مصونیت بی‌جهت بهره می‌برد و تکلیف احتیاط و مراقبت را نیز رعایت نمی‌کند. به ایرادها این‌گونه پاسخ داده شده است که مسئولیت انحصاری بهره‌بردار دارای ملاحظات اقتصادی بوده و به ویژه از حیث تحصیل پوشش بیمه‌ای مفید است. در حالی که اگر این راه‌حل مورد قبول قرار نگیرد، هر کسی که در چرخه تولید و توزیع و بهره‌برداری مواد اتمی به نوعی فعالیت و دخالت دارد، به دلیل اینکه احتمال مسئولیت وی وجود دارد، باید برای خود بیمه مسئولیت تدارک ببیند. این امر به دلیل مبلغ بالای حق بیمه و به خصوص مبلغ کل خسارتی که باید تحت پوشش قرار گیرد، امکان‌پذیر نیست و از توان عاملان بالقوه خسارت مانند پرسنل بهره‌بردار یا متصدی حمل و... خارج است و افزون بر آن، الزام اشخاص مختلف به بیمه کردن مسئولیت خود موجب بالا رفتن قیمت محصولات و فرآورده‌های هسته‌ای و در نتیجه، رکود در صنعت هسته‌ای می‌شود. وانگهی، راهکار مذکور برای حمایت از صنعت هسته‌ای نیز مناسب‌تر است و به ویژه برای زیان‌دیدگان مطلوب‌تر خواهد بود، چرا که به جای یافتن عامل مسئول بین عوامل متعدد و طرح دعاوی متعدد و پرهزینه و صرف زمان بسیار، تنها به اقامه دعوا علیه بهره‌بردار مبادرت می‌ورزند و دعاوی مسئولیت مدنی آنها راحت‌تر و سریع‌تر به نتیجه می‌رسد. (Pelzer, 1999: 423 & s.; Ollier, 1983: 59-60; Radetzki, 1999: 9-11; McRae, 1998:28)

در هر حال، در میان انتقادهای منطقی و حقوقی از یک طرف و پاسخ‌ها و توجیه‌های اقتصادی و بیمه‌ای از طرف دیگر، در حال حاضر جانب ملاحظات اقتصادی گرفته شده است و

۱. گفتنی است که جهت‌دهی مسئولیت به سمت بهره‌بردار هسته‌ای (که جهت‌دهی حقوقی خوانده می‌شود) در غالب کشورهایی که دارای نظام خاصی در زمینه مسئولیت ناشی از حوادث اتمی هستند، پذیرفته شده است. اما در پاره‌ای از کشورها، مانند آمریکا و استرالیا، از جهت‌دهی اقتصادی برای تعیین مسئول استفاده کرده‌اند و پس از جبران خسارت از سوی بهره‌بردار، به وی اختیار رجوع به عامل زیان را داده‌اند. (ر.ک. قبولی و رضادوست، ۱۳۹۴: ۷۳۰-۷۳۱، Swartz, 2016: 348)

کنوانسیون‌های بین‌المللی و حقوق فرانسه «اصل مسئولیت انحصاری بهره‌بردار هسته‌ای» را پذیرفته‌اند که استثناهای بسیار محدودی دارد.

مواد ال-۵۹۷-۱ و ۲۶ قانون محیط زیست که مطابق کنوانسیون پاریس تنظیم شده‌اند، در مواردی که شخص دیگری غیر از بهره‌بردار هسته‌ای به صورت عمدی خسارت را ایجاد کرده یا در قرارداد بین بهره‌بردار و عامل زیان پیش‌بینی شده باشد، به بهره‌بردار حق داده است که پس از جبران خسارت زیان‌دیده، به عامل زیان رجوع کند. همچنین، در صورتی که در این موارد، زیان‌دیده به بیمه‌گر یا تضمین‌کننده دیگر مسئولیت بهره‌بردار رجوع نموده باشد، پرداخت‌کننده خسارت همانند خود بهره‌بردار حق مراجعه به عامل زیان را خواهد داشت (مواد ال-۵۹۷-۱۶ و ۳۹ قانون محیط‌زیست).

ب- مبنای مسئولیت (محدودیت بسیار شدید علل معافیت)

در هیچ یک از کنوانسیون‌های بین‌المللی، همانند مواد ال-۵۹۷-۱ و ۲۶ به بعد قانون محیط زیست فرانسه، از تقصیر به عنوان مبنای مسئولیت بهره‌بردار هسته‌ای سخن به میان نیامده است؛ بلکه بر عکس، در متن فرانسوی ماده ۴ کنوانسیون وین ۱۹۶۳ و ماده ۳-۳ کنوانسیون تکمیلی جبران خسارت ۱۹۷۷ از اصطلاح مسئولیت نوعی (عینی) بهره‌بردار^۱ استفاده شده است. بنابراین، مسئولیت بهره‌بردار هسته‌ای، مسئولیت نوعی یا مبتنی بر سببیت^۲ است، نه مبتنی بر تقصیر. به عبارت دیگر، فعالیت خطرناک بهره‌بردار هسته‌ای منجر به مسئولیت نوعی یا بدون تقصیر او برای خطر ایجادشده گشته است. البته این مسئولیت بدون تقصیر به ویژه با «اماره مسئولیت» یا

1. L'exploitant est objectivement responsable....

2. Responsabilité objective ou causale/La responsabilité de plein droit de l'exploitant nucléaire.

برای مسئولیت بدون تقصیر بهره‌بردار هسته‌ای، به عدالت و انصاف و غیر اخلاقی بودن تحمیل خسارت وارده به قربانی نیز استناد شده است (OECD, 1994: 15-16).

«فرض مسئولیت»^۱ تقویت هم می‌شود، زیرا فرض مسئولیتی که وضع شده است، تقریباً غیرقابل رد است و نمی‌تواند با اثبات علت خارجی نقض شود. به این ترتیب، بهره‌بردار در مقابل قربانیان، حتی در فرض وقوع حادثه غیرمترقبه که تشکیل‌دهنده فورس ماژور است، مسئول باقی می‌ماند. برای مثال، سقوط هواپیما روی تأسیسات هسته‌ای یا تقصیر عمدی شخص ثالث (مثل تروریسم هسته‌ای) مانع از مسئولیت بهره‌بردار هسته‌ای نمی‌شود (Lambert-Faivre et Porchy-Simon, 2016: no 974; voir aussi: Mazeaud, 1991: 610; OECD, 1994: 22-23).

با وجود این، در چارچوب پروتکل ۲۰۰۴ و ماده ال-۵۹۷-۵ قانون محیط زیست، تقصیر آشکار قربانی می‌تواند علیه او مورد استناد واقع شود. در واقع، «اگر بهره‌بردار مسئول خسارت هسته‌ای ثابت کند که این خسارت به صورت کلی یا جزئی ناشی از بی‌احتیاطی شدید شخصی است که متحمل خسارت شده یا اینکه شخص مزبور فعل یا ترک فعلی را به قصد ایجاد خسارت انجام داده است، این بهره‌بردار تا حدی که متناسب با شدت تقصیر یا بی‌احتیاطی این شخص از سوی قاضی ارزیابی می‌گردد، از تعهد به جبران خسارت وارد شده به شخص مذکور معاف می‌شود».

از این گذشته، کنوانسیون پاریس دو عامل دیگر را به عنوان «استثنای معافیت» می‌پذیرد: جنگ و تحولات ناگهانی طبیعی با مشخصه استثنایی، فاجعه‌آمیز و کاملاً غیرقابل پیش‌بینی، که در این حالت‌ها تضمین‌های پیش‌بینی شده جای خود را به همبستگی ملی می‌دهند (Faure & Borre, 2008: 233-234; Lambert-Faivre et Porchy-Simon, 2016: no 974; OECD, 1994: 49). به این ترتیب، کنوانسیون پاریس همانند کنوانسیون وین، موارد بسیار محدودی را به عنوان اسباب معافیت بهره‌بردار هسته‌ای می‌پذیرند؛ منتها به قانونگذاران داخلی اجازه داده شده است که در همین موارد نیز معافیت بهره‌بردار را نپذیرند و مسئولیت مطلق او را وضع کنند. امروزه نیز با تصویب پروتکل‌های ۱۹۹۷ و ۲۰۰۴ موارد معافیت بهره‌بردار کاهش یافته است (Dussart, 2005: ۱۹۹۷).

1. Présomption de responsabilité.

5 (23; Pelzer, 2011).^۱ در فرانسه نیز در موارد معافیت بهره‌بردار، جبران خسارت با عنوان همبستگی ملی صورت می‌گیرد.

از آنچه گفته شد، این نتیجه به دست می‌آید که مسئولیت بهره‌بردار هسته‌ای، فراتر از مسئولیت محض^۲ است، چرا که در مسئولیت محض وجود رابطه سببیت بین فعل زیانبار و ورود خسارت لازم است و تنها تقصیر از شرایط مسئولیت حذف شده است. در نتیجه، عامل زیان می‌تواند با استناد به پاره‌ای از عذرهای از دفاعیات از مسئولیت معاف شود (Coleman, 1992: 217- & s 11, 347; Harpwood, 2009: 220; بادینی و جواهرکلام، ۱۳۹۱: ۲۱). در حالی که بهره‌بردار هسته‌ای با اثبات دخالت شخص ثالث و فقدان رابطه سببیت نیز از مسئولیت معاف نمی‌شود. از

۱. ماده ۳ کنوانسیون پاریس ۱۹۶۰، بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای را جز در شرایط خاص، مسئول تمام خسارت‌های وارد بر اشخاص و تمام خسارت‌های وارد بر اموال می‌داند، مشروط بر اینکه خسارت‌های مذکور ناشی از حوادث هسته‌ای مربوط به سوخت‌های هسته‌ای، محصولات یا پسماندهای رادیواکتیو نگهداری شده در این تأسیسات یا مواد هسته‌ای به دست آمده از این تأسیسات باشد. ماده ۹ این کنوانسیون، در مقام بیان موارد معافیت بهره‌بردار از مسئولیت می‌گوید: جز در صورتی که قانونگذار ملی حکم مخالفی وضع کند، اگر حادثه هسته‌ای ناشی از درگیری مسلحانه، حمله، جنگ داخلی، شورش، بلایای طبیعی یا ویژگی استثنایی باشد، بهره‌بردار مسئول خسارت ناشی از حادثه هسته‌ای نیست. البته پس از اصلاحات ۱۹۶۴ و ۱۹۸۲، مصادیق معافیت از مسئول در کنوانسیون پاریس کاهش یافته و دامنه شمول خسارت قابل جبران افزایش یافت. در کنوانسیون وین نیز مقررات مشابهی پیش‌بینی شده است (برای ملاحظه تفصیل بحث در زمینه استثنائات مسئولیت بهره‌بردار در کنوانسیون پاریس و وین، افزون بر منابع فوق، ر.ک.: Faure & Borre, 2008: 233; OECD, 1994: 37 & 49; قبولی و رضادوست، ۱۳۹۴: ۷۲۳-۷۲۲ و ۷۲۹-۷۲۸؛ یزدانیان و حبیبیان، ۱۳۹۳: ۱۶۱-۱۶۲). در مورد مسئولیت انحصاری شخص بهره‌بردار، در کنوانسیون پاریس در مواد ۴ و ۶، خسارت وارد بر تأسیسات هسته‌ای و اموال موجود در آن و نیز در صورت پیش‌بینی قوانین ملی در خصوص مسئولیت متصدی حمل و نقل به جای بهره‌بردار در صورت ورود خسارت در هنگام حمل و نقل مواد هسته‌ای، از این حکم مستثنا شده است. همچنین، این کنوانسیون ناظر به فرضی است که بهره‌بردار شخص خصوصی و غیر دولتی است و در فرض بهره‌برداری تأسیسات هسته‌ای از سوی دولت، موضوع تابع حقوق بین‌الملل و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی است. عدم امکان رجوع بهره‌بردار به اشخاص ثالث نیز با استثنای امکان مراجعه او به زیان‌دیده در فرض تقصیر عمدی یا پیش‌بینی قابلیت رجوع در قرارداد منعقد شده رویه‌روست که این حق رجوع ممکن است از طرف بیمه‌گر یا سایر ضامنین مالی از طریق قائم‌مقامی صورت گیرد (ر.ک.: یزدانیان و حبیبیان، ۱۳۹۳: ۱۶۴-۱۶۵).

2. Strict Liability.

این‌رو، مسئولیت بهره‌بردار به مسئولیت مطلق (یا عینی)^۱ که ورود خسارت تنها شرط ایجاد مسئولیت است و احراز رابطه سببیت ضرورت ندارد (همانند مسئولیت غاصب و در حکم غاصب در حقوق ما) (بادیتی و جواهرکلام، ۱۳۹۱: ۲۱) نزدیک می‌شود؛ چنان‌که برخی احتمال داده‌اند که مسئولیت بهره‌بردار از نوع مسئولیت مطلق است (OECD, 1994: 16). از همین رو، در متن انگلیسی برخی از کنوانسیون‌های تدوین شده، مانند ماده ۴ کنوانسیون وین و بند ۳ ماده ۳ کنوانسیون تکمیلی جبران خسارت ۱۹۷۷ برای نشان دادن مسئولیت بهره‌بردار هسته‌ای، از اصطلاح مسئولیت مطلق استفاده شده است. با وجود این، در مسئولیت مطلق هیچ دفاعی از شخص خوانده پذیرفته نمی‌شود؛ در حالی که بهره‌بردار هسته‌ای می‌تواند به تقصیر زیان‌دیده یا عوامل بسیار استثنایی معافیت از مسئولیت استناد کند. بنابراین، باید پذیرفت که مسئولیت بهره‌بردار هسته‌ای چیزی میان مسئولیت محض و مسئولیت مطلق است.

ج - محدوده مسئولیت (خسارت‌های قابل جبران؛ مسئولیت محدود شده)

مسئولیت مدنی در حوادث هسته‌ای از جهات مختلف، به ویژه از حیث خسارت‌های قابل جبران و نیز مرور زمان طرح دعوا و حتی صلاحیت دادگاه محدود شده است. در حقیقت، همان‌گونه که در نظام‌های خاص مسئولیت نوعی رایج است، هدف محدودیت‌های مسئولیت در زمان و در مبلغ کل (خسارت قابل جبران)، تسهیل نظام‌های تضمین جبران خسارت است. در مقابل، در زمینه احراز رابطه سببیت، به کمک «سببیت فرضی» در برخی از موارد، کوشیده‌اند تا دعوای مسئولیت مدنی و اثبات رابطه سببیت را تسهیل نمایند.

یک - مسئولیت محدود شده

اصل جبران کامل خسارات که در حقوق مسئولیت مدنی ریشه دوانیده، به دلایل متعدد که غالباً جنبه اقتصادی دارد، در حوزه خسارت‌های ناشی حوادث هسته‌ای جاری نمی‌شود، زیرا

1. Absolute Liability.

دولت‌ها به دلیل فواید متعدد انرژی هسته‌ای، مایل به استفاده از این انرژی و گسترش صنعت هسته‌ای هستند و برای تحقق این هدف و بدین جهت که مسئولیت نامعلوم بهره‌دار هسته‌ای مانعی جدی بر سر راه صنعت هسته‌ای است، به کمک بهره‌بردار آمده و با تعیین سقف مشخصی برای مسئولیت او، از میزان مسئولیت وی می‌کاهند (Schwartz, 2006: 39; Lambert-Faivre et Porchy-Simon, 2016: no 972). چنانکه بند ب ماده ۷ کنوانسیون پاریس، برای بهره‌بردار کف و سقف مسئولیت پیش‌بینی کرده است. در حقیقت، با توجه به شدت و گستره وسیع حوادث هسته‌ای و خسارت‌های بی‌شمار ناشی از آن و به دلیل آنکه بیمه تا سقف مشخصی خسارت‌ها را می‌پردازد، جریان اصل کامل خسارت‌ها در حوادث اتمی، نتیجه‌ای جز این ندارد که در صورت وقوع حادثه اتمی شدید، خود بهره‌بردار باید مازاد بر پوشش بیمه‌ای را از اموال شخصی خود بپردازد و به خاطر آنکه توان آن را ندارد، طبیعی است که انجام فعالیت‌های هسته‌ای انصراف دهد و در نتیجه، تأسیسات هسته‌ای و فعالیت‌های اتمی تعطیل خواهد شد. اما با محدود کردن مسئولیت بهره‌بردار، هم تضمین آن توسط بیمه‌ها امکان‌پذیر است و هم بهره‌بردار بدون نگرانی نسبت به مازاد بر سقف مسئولیت خود (که توسط بیمه‌گر تضمین شده) به فعالیت‌های هسته‌ای خود خواهد پرداخت. بنابراین، در صورت وقوع حادثه هسته‌ای، زیان‌دیده تا سقف مسئولیت مقرر به بیمه‌گر مراجعه می‌کند و برای مازاد بر آن حق مراجعه به بهره‌بردار را ندارد. برای تحت پوشش قرار گرفتن مسئولیت بهره‌بردار نیز کنوانسیون‌ها و قانونگذاران داخلی، اخذ پوشش بیمه یا تحصیل تضمین دیگر متناسب با سقف مسئولیت بهره‌بردار را الزامی می‌کنند تا ضمن جبران خسارت وارد بر قربانیان، از بهره‌بردار در برابر دعاوی جبران خسارت حمایت کند و به او اطمینان دهد که برای جبران خسارت‌های وارده نیازی به استفاده از دارایی شخصی خود را ندارد. به این صورت، دولت‌ها به هدف خود که گسترش فعالیت‌های هسته‌ای است، دست می‌یابند (Pelzer, 2007: 38 & s.; OECD, 1994: 25; Schwartz, 2006: 40; Lambert-Faivre et Porchy-Simon, 2016, no 972).^۱ مسئولیت محدود بهره‌بردار به این دلیل نیز تقویت شده است

۱. در قولین داخلی ژاپن، بهره‌بردار مکلف است تضمین مالی تا سقف ۱.۴ میلیارد دلار را فراهم نماید. به موجب

که «مسئولیت نامحدود به معنای جبران نامحدود نیست»، زیرا هیچ کس دارای نامحدود ندارد. دارایی بهره‌بردار نیز در هر حال محدود است و پذیرش مسئولیت نامحدود او بدون وجود اموال در دسترس، دردی از زیاندیدگان دوا نمی‌کند. بنابراین، محدود شدن مسئولیت و تضمین جبران آن بهتر می‌تواند منافع زیاندیدگان احتمالی را تأمین نماید (OECD, 1994: 25).

ذکر این نکته هم لازم است که در کنوانسیون‌های پاریس و وین، خسارت هسته‌ای به معنای هرگونه صدمه بدنی، اعم از فوت یا غیر آن، و هر نوع خسارت مالی است که در اثر وقوع حادثه در تأسیسات هسته‌ای یا حین حمل و نقل مواد هسته‌ای پدید می‌آید. همچنین، اصلاحیه کنوانسیون پاریس و پروتکل ۱۹۹۷، محدوده خسارت قابل جبران را گسترش داده و آن را شامل خسارت وارد بر محیط زیست، خسارت‌های اقتصادی و عدم‌النتفع، هزینه اقدامات پیشگیرانه و غیره دانسته است (Faure & Borre, 2008: 232 & 237). در حقوق فرانسه نیز، خسارت‌های تحت پوشش عبارتند از: زیان‌های بدنی (اعم از هزینه‌های پزشکی و بیمارستانی و معلولیت‌ها و زیان‌های وارد به وراث متوفی)، هزینه تخلیه و جابجایی از محل حادثه، از دست دادن درآمد، از دست دادن تولید به دلیل آلودگی ایجاد شده، هزینه‌های پاکسازی (ضد‌عفونی‌کننده ملک) و از دست دادن درآمد شرکت‌های همسایه که موظف به قطع فعالیت‌های خود هستند (OECD, 1994: 66-67; Lambert-Faivre et Porchy-Simon, 2016: no 970). در ادامه، محدودیت‌های مسئولیت بهره‌بردار هسته‌ای را در حقوق فرانسه از حیث سقف مسئولیت، مرور زمان و وحدت صلاحیت قضایی مطالعه می‌کنیم.

رتال جامع علوم انسانی

اصلاحات قانون مسئولیت و جبران خسارت هسته‌ای کانادا در سال ۲۰۰۸ نیز سقف مسئولیت بهره‌بردار از ۷۵ میلیون دلار در هر نیروگاه، به ۶۵۰ میلیون دلار افزایش یافته است. در قانون داخلی هند هم مسئولیت بهره‌بردار به مبلغ ۳۰۰ میلیون SDR که معادل ۳۴۰ میلیون یورو است، محدود شده است (یزدانیان و حبیبیان، همان، ص ۱۶۷-۱۶۸; Pelzer, 2011: 4; OECD, 1994: 49-50; Faure & Borre, 2008: 234-237).

۱- محدودیت‌های مسئولیت در مبلغ کل

نتیجه مسئولیت نوعی که رجوع قربانیان را تسهیل می‌بخشد، محدودیت مبلغ کل مسئولیت^۱ است. این امر از لحاظ تکنیکی مفید است، زیرا به بهره‌بردار اجازه می‌دهد تا تضمین مالی مناسبی را برای پوشش مسئولیت خود پیدا کند. قانون ۳۰ اکتبر ۱۹۶۸ فرانسه حداکثر مبلغ کل مسئولیت بهره‌بردار را تا ۵۰ میلیون فرانک تعیین کرده بود که برای تمام حوادث، بدون توجه به تعداد تأسیساتی که بهره‌بردار روی پایگاه نصب کرده بود، یکسان بود. این رقم در همان زمان نیز هنگام اجرا بسیار ناچیز و کاملاً مضحک به نظر می‌رسید. قانون ۱۶ ژوئیه ۱۹۹۰، که در ماده ال-۵۹۷-۲۸ قانون محیط زیست قرار گرفته، این محدودیت‌ها را برای خطرهای بزرگ، تا ۹۱ میلیارد و ۴۶۹ هزار و ۴۱۰ یورو و برای تأسیساتی با خطرات کاهش یافته که با حکم خاص مشخص می‌شوند، تا ۲۲۸۶۷۳۵۲ یورو تعیین کرد. این اصلاحیه به ویژه راکتورهای آزمایشی با قدرت حرارتی کمتر از ۱۰۰ مگاوات و کارخانه‌های تهیه و تولید سوخت‌ها را که نه دارای پلوتونیوم و نه اورانیوم غنی شده بیشتر از ۲۰٪ هسته‌ای هستند مدنظر دارد. البته این رقم حتی تنها برای جبران خسارت‌های بدنی هنوز هم ناچیز است. پروتکل ۲۰۰۴ این قواعد را اصلاح کرد و حداقل مسئولیت برای حادثه هسته‌ای را تا ۷۰۰ میلیون یورو و برای تأسیسات با خطر کاهش یافته را تا ۷۰ میلیون یورو اعلام نمود (ماده ۵۹۷-۴ قانون محیط زیست). در نتیجه، اجرای این پروتکل، بهبودی معنادار حقوق قربانیان را نشان می‌دهد (Lambert-Faivre et Porchy-Simon, 2016: no 982).

۲- محدودیت‌های مسئولیت در زمان

خسارت‌های بدنی که در اثر آلودگی رادیواکتیو ایجاد می‌شوند، ممکن است مدت‌ها پس از قرار گرفتن در معرض تشعشعات آشکار شوند. همچنین، کنوانسیون پاریس درصدد آشتی دادن دغدغه جبران خسارت قربانیان که بیماری در آنها با تأخیر آشکار شده و مشکلات فنی حفظ

1. Les limitations de responsabilité en montant.

تضمین مالی بسیار طولانی است. حقوق ملی فرانسه سه نوع مهلت را ترکیب می‌کند. ۱- مرور زمان دعوی قربانی، که ۳ سال از تاریخ ظهور خسارت است. کنوانسیون پاریس مرور زمان حداقل ۲ ساله را برای قربانی پیش‌بینی می‌کند که از زمان اطلاع او از خسارت و از بهره‌بردار مسئول آغاز می‌شود. اما به دلیل آنکه سرطان‌ها و دیگر لوسمی‌های ناشی از تشعشعات اتفاقی ممکن است سال‌ها پس از حادثه هسته‌ای آشکار شوند، قانون ۱۹۶۸ فرانسه که از طریق قانون ۱۳ ژوئن ۲۰۰۶ اصلاح شده است، این مهلت مرور زمان دعوی جبران خسارت را تا سه سال افزایش داد که از زمانی شروع می‌شود که قربانی از خسارت و از بهره‌بردار مسئول مطلع می‌شود یا منطقی‌اً باید از آنها مطلع شده باشد (ماده ال-۵۹۷-۱۵ و ۴۰ قانون محیط زیست). ۲- اسقاط مسئولیت بهره‌بردار که ۱۰ سال از زمان وقوع حادثه هسته‌ای است. با انقضای مهلت ده ساله، در صورتی که هیچ دعوی از قبل در دادگاه صالح اقامه نشده باشد، مسئولیت بهره‌بردار هسته‌ای به شکل قطعی ساقط می‌شود (ماده ال-۵۹۷-۱۷ و ۴۰ قانون محیط زیست). چنانچه خسارت‌ها در اثر مواد هسته‌ای دزدیده شده، گم شده یا رها شده ایجاد شده باشد، مهلت ده ساله از زمانی شروع می‌شود که این مواد دزدیده، گم یا رها شده‌اند. ۳- تضمین تکمیلی دولت که ۱۵ سال از زمان حادثه تعیین می‌شود. هنگامی که حادثه در خاک جمهوری فرانسه رخ داده باشد و پرونده در صلاحیت دادگاه فرانسوی باشد، دولت فرانسه در مهلت حداکثر ۱۵ ساله پس از حادثه، جبران خسارت‌هایی را تضمین می‌کند که جبران آنها بدین دلیل که خسارت پس از مهلت ده ساله ظاهر شده و دعوی مسئولیت علیه بهره‌بردار ساقط گردیده، نتوانسته است درخواست شود. در این صورت، دعوا علیه دولت هدایت می‌شود (ماده ال-۵۹۷-۱۷ و ۴۰ قانون محیط زیست) (Lambert-Faivre et Porchy-Simon, 2016: no 977-981).

۳- تعیین دادگاه صالح (عدول از قاعده عمومی)

هر چند در فرانسه بهره‌برداران اصلی هسته‌ای دارای وضعیت عمومی (دولتی) یا نیمه عمومی هستند، ماده ۱۷ قانون ۳۰ اکتبر ۱۹۶۸ در زمینه صلاحیت ذاتی، با برقراری وحدت صلاحیت

قضایی، صلاحیت محاکم قضایی^۱ را برای رسیدگی به تمام دعاوی مسئولیت مدنی اقامه شده علیه بهره‌برداران هسته‌ای پذیرفت.^۲ از حیث صلاحیت محلی نیز دادگاه مدنی پاریس صالح به رسیدگی است. مواد ال-۵۹۷-۱۹ و ۴۲ قانون محیط زیست تصریح می‌کند: در صورتی که صلاحیت به دادگاه فرانسه داده شده باشد، فقط دادگاه مدنی پاریس^۳ صلاحیت دارد. این مرکزی کردن صلاحیت، که در زمینه تروریسم نیز پذیرفته شده است (قانون ۹ سپتامبر ۱۹۸۶)، اجازه می‌دهد که وحدت رویه قضایی در این زمینه تضمین شود. با این حال، قوانین پیش‌بینی می‌کنند که دادستان عمومی و قاضی دادگاه^۴ که حادثه هسته‌ای در صلاحیت آن رخ داده است، برای انجام اقدامات فوری صلاحیت دارند (Lambert-Faivre et Porchy-Simon, 2016: no 983).

دو - تسهیل در اثبات رابطه سببیت

اثبات رابطه سببیت در مورد زیان‌های ناشی از حوادث هسته‌ای بسیار حائز اهمیت است، زیرا تبعات قرار گرفتن در معرض تشعشعات یونیزه شده ممکن است ماه‌ها یا سال‌ها پس از حادثه، به شکل تومورهای بدخیم، سرطان یا لوسمی (سرطان خون) آشکار شود. در این صورت، کارشناسان پزشکی می‌توانند اثبات منشأ بیماری‌های فوق را بر عهده بگیرند، که در صورت اثبات آنها، نظام مسئولیت هسته‌ای قابل اعمال خواهد بود.

البته اگر زیان‌دیده به صورت اتفاقی و به اندازه کافی در معرض تشعشعاتی قرار گرفته باشد که از پیش شناخته شده هستند، اثبات رابطه سببیت آسان است، چرا که در این موارد وجود رابطه سببیت مفروض است. در حقیقت، مطابق مواد ال-۵۹۷-۱۲ و ۳۷ قانون محیط زیست، فهرستی

1. La compétence des seuls tribunaux judiciaire.

۲. این وحدت صلاحیت در زمینه حوادث رانندگی (قانون ۳۱ دسامبر ۱۹۵۷) و آزمایش‌های بیومدیکیل (قانون ۲۳ ژانویه ۱۹۹۰) نیز حفظ شده است.

3. Tribunal de grande instance de Paris.

4. Le Procureur de la République et le juge d' instance du tribunal.

از بیماری‌ها که معلول حادثه هسته‌ای به شمار می‌آیند، با حکم شورای دولتی تعیین می‌شود. در این موارد، مفروض است که حادثه هسته‌ای منشأ بیماری‌های مزبور است، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. اثبات رابطه سببیت در این موارد، بستگی به تشعشعات و آلودگی دریافت شده و نیز مهلتی دارد که در آن بیماری مشاهده شده است. البته فرض وجود رابطه سببیت که به نفع قربانی (که در معرض پرتو قرار گرفته) ایجاد می‌شود، یک فرض قانونی است، ولی نه فرض غیرقابل رد؛ بلکه امکان اثبات خلاف آن وجود دارد (Lambert-Faivre et Porchy-Simon, 2016: no 975). در هر حال، با استفاده از راهکار پیش‌گفته، اثبات رابطه سببیت تسهیل می‌شود و این به نفع زیان‌دیده خواهد بود؛ همانند خسارت ناشی از حوادث پزشکی که در برخی از موارد وجود رابطه سببیت مفروض است یا از برهان نفی سایر اسباب برای برقراری رابطه سببیت استفاده می‌شود. برخی از نظام‌های حقوقی نیز از فرض تقصیر برای تسهیل در انتساب خسارت بهره می‌برند (OECD, 1994: 18).

بند دوم: اصول جبران خسارت بدنی در حوادث هسته‌ای: انواع تضمین‌های پیش‌بینی شده

اگرچه حادثه چرنوبیل مشمول کنوانسیون‌های پاریس و بروکسل نبود، ولی این حادثه به خوبی خطرهای فاجعه‌آمیز ناشی از حوادث هسته‌ای و دشواری ارزیابی زیان‌های بدنی را در این حوزه نشان می‌دهد. بنابراین، پیش‌بینی تضمین‌های مالی مناسب برای جبران خسارت‌های ناشی از حوادث اتمی ضرورت دارد. البته در حقوق فرانسه، با مراجعه به ارزیابی‌های شناخته شده از خسارت‌های بدنی، به خوبی معلوم می‌شود که این تضمین‌ها کافی نیستند.

از این رو، برای تأمین خسارت‌های هسته‌ای، یکی از مؤثرترین راهکارها، دخالت دادن مردم در جبران خسارت‌های هسته‌ای است، زیرا آنها از انرژی هسته‌ای (مانند برق تولید شده در نیروگاه هسته‌ای و دانش به دست آمده با استفاده از راکتور تحقیقاتی) انتفاع می‌برند و بر همین اساس، ناعادلانه خواهد بود که کل جمعیت از این مزیت بهره‌مند شوند و تنها بخشی از آنها هزینه‌ها و

خسارت‌های آن را تحمل کنند (OECD, 1994: 26-27). بنابراین، عدالت توزیعی اقتضا می‌کند که خسارت‌های هسته‌ای بین جامعه تقسیم و سرشکن شود.^۱ بر همین اساس، در حقوق فرانسه، جبران خسارت از سوی دولت (با بودجه متعلق به عموم جامعه) در فرض انقضای مرور زمان ده ساله یا کمبود پوشش بیمه‌گر یا بهره‌بردار در محدوده سقف مسئولیت پیش‌بینی شده است (Lambert-Faivre et Porchy-Simon, 2016: no 985; OECD, 1994: 67).

در هر حال، نظامی که از طریق کنوانسیون‌های بین‌المللی برای جبران زیان‌های یادشده پیش‌بینی شده است، دو سطح از تضمین‌ها را در بر می‌گیرد: در سطح نخست، بهره‌بردار هسته‌ای باید تضمین‌های مالی مناسبی از قبیل بیمه یا وجه نقد را در اختیار داشته باشد. در سطح دوم، تضمین‌های تکمیلی از طریق تضمین دولتی و همبستگی ملی پیش‌بینی شده است (الف). در نهایت، ممکن است خسارت‌های وارده، اعم از بدنی و مالی، از میزان تضمین‌های پیش‌بینی شده فراتر روند. در این صورت، باید ترتیب تقدم غرامت‌ها را مشخص نمود (ب).

الف - انواع تضمین‌های پیش‌بینی شده

مطالعه نظام حقوقی فرانسه و کنوانسیون‌های منعقد شده نشان می‌دهد که بر خلاف سایر نظام‌های خاص جبران خسارت (مانند حوادث رانندگی و پزشکی)، که در آنها برای جبران زیان‌های وارد شده تنها از بیمه مسئولیت و صندوق مستقل استفاده می‌شود، در نظام خاص جبران خسارت حوادث هسته‌ای به دلیل مشخص نبودن شمار قربانیان و قابل پیش‌بینی نبودن

۱. برای ملاحظه تفصیل بحث در این زمینه، رک: (Reitsma, 1999: 347-361). نویسنده به ویژه در خصوص کمبود تضمین‌های پیش‌بینی شده در صورت وقوع حادثه هسته‌ای، اولویت جبران زیان‌های بدنی را در کشورهای مختلف بررسی نموده و از کسری پوشش بیمه انتقاد می‌کند و سرانجام پیشنهاد می‌دهد که دولت و صندوق‌های خاص، خسارت‌های ناشی از حوادث اتمی را کاملاً بر عهده گیرند تا قربانیان بتوانند هر چه سریع‌تر زندگی خود را پس از حادثه بزرگ هسته‌ای باز یابند؛ با واقع‌نگری و توزیع ضرر است که می‌توانیم تصمیم بگیریم از انرژی هسته‌ای استفاده کنیم.

سطح خسارت‌ها، به برقراری بیمه مسئولیت و همبستگی ملی اکتفا نشده است، بلکه تضمین‌های دیگر و همبستگی بین‌المللی نیز فراخوانده شده‌اند.

یک - تضمین‌های مالی بهره‌بردار هسته‌ای (بیمه و...)

سطح اول تضمین‌ها که از سوی کنوانسیون‌های بین‌المللی برای جبران خسارت‌ها پیش‌بینی شده است، تضمین مسئولیت مدنی بهره‌بردار هسته‌ای است. بهره‌بردار هسته‌ای ملزم است به میزان سقف مسئولیت خود در برابر قربانیان، دارای تضمین مالی باشد. این تضمین مالی ممکن است به شکل ضمانت مالی، دارایی نقدی (به خصوص در مورد بهره‌برداران دولتی) و به ویژه بیمه‌ای باشد که ممکن است با تضمین دولتی ترکیب شود (مواد ال-۵۹۷-۷ و ال-۵۹۷-۳۱ قانون محیط زیست) (Lambert-Faivre et Porchy-Simon, 2016: no 985; Faure and Fiore, 2008: 298-303; Pelzer, 2007: 38-42). در غالب موارد، تضمین بهره‌بردار از نوع بیمه مسئولیت شخص ثالث است؛ هر چند می‌تواند به صورت ضمانت‌نامه بانکی نیز باشد. همچنین، برای جبران خسارت وارد بر تأسیسات هسته‌ای از بیمه اموال استفاده می‌شود. در هر حال، تخلف از تکلیف فوق مستوجب مجازات کیفری (پنج سال حبس یا ۱۵۰ هزار یورو جریمه نقدی یا هر دو) است (مواد ال-۵۹۷-۲۰ و ال-۵۹۷-۴۳ قانون محیط زیست).

کنوانسیون پاریس، مراقبت کردن در زمینه تعیین شرایط بیمه یا دیگر تضمین‌های مالی را که بهره‌بردار موظف به داشتن آنها است به دولت‌ها واگذار می‌کند. پس از اولین حادثه، تضمین مالی باید کاملاً بازسازی شود تا بهره‌بردار همواره از تضمین برابر با حداکثر مسئولیت خود برخوردار باشد.

1. Third party liability insurance or bank guarantee or a form of self-insurance: OECD, 1994: 24 & 38;

و برای مشاهده تاریخچه پوشش بیمه در حوادث هسته‌ای و مشکلات آن و به ویژه توسل به بیمه گروهی و اتکالی به جای بیمه انفرادی (Nuclear Insurance Pools)، ر.ک: (Quéré, 2014: 29-40; OECD, 1994: 29-40; Faure and Fiore, 2008: 298-303; Pelzer, 2007: 38-54).

بر اساس مواد ال-۵۹۷-۷ و ۳۱ قانون محیط زیست، تضمین مالی که هر بهره‌بردار در محدوده حداکثر مسئولیت خود مشمول آن است باید توسط وزیر اقتصاد و دارایی تأیید شود. وزیر اقتصاد، بر اساس پیشنهاد وزیر مسئول انرژی اتمی، می‌تواند به بهره‌برداران تأسیسات هسته‌ای تضمین دولتی اعطا کند، که کلاً یا جزئاً جانشین بیمه یا دیگر تضمین‌های مالی می‌شود. در صورت بیمه بودن بهره‌بردار هسته‌ای، بیمه‌گر نمی‌تواند بدون اعلام قبلی حداقل دو ماهه که به صورت کتبی به وزیر مسئول انرژی اتمی تقدیم شده است، تضمین خود را معلق کند.

به علاوه، قانون ۱۶ ژوئن ۱۹۹۰ که محدوده قانونی مسئولیت را تا ۹۱ میلیارد و ۴۶۹ هزار و ۴۱۰ یورو تعیین کرد، سبب شد که بهره‌برداران هسته‌ای برای تضمین این مسئولیت از طریق بیمه، از اتحادیه‌ای (موسوم به اتحادیه فرانسوی بیمه خطرات اتمی یا بیمه اتمی)^۱ که از کنوانسیون بیمه اتمی ناشی می‌شود و تمام شرکت‌های بیمه ذی‌نفع را گرد هم می‌آورد، کمک بگیرند (Faure and Fiore, 2008: 294-296; Lambert-Faivre et Porchy-Simon, 2016: no 985).

در هر حال، چنانچه جبران خسارت از سوی بیمه‌گر یا بهره‌بردار امکان‌پذیر نباشد، دولت در محدوده سقف مسئولیت جایگزین آنها می‌شود (Lambert-Faivre et Porchy-Simon, 2016: no 985). ضرورت دخالت دولت به دلیل محدودیت‌هایی است که صنعت بیمه در پوشش خسارت‌های هسته‌ای دارد.^۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشگاه علوم انسانی

1. Le Pool français d'assurance des risques atomiques/ASSURATOME.

۲. یکی از محققان در زمینه «پوشش خطر هسته‌ای: وظیفه اصلی صنعت بیمه» می‌نویسد: کنوانسیون‌ها به بیمه یا تأمین مالی دیگر به عنوان وسیله‌ای برای پوشش، نیاز دارند. قراردادهای بیمه تقریباً لجزاری منحصر به فرد برای تأمین پوشش خسارت هستند. صنعت بیمه شریک مناسب و باتجربه‌ای در زمینه تأمین مسئولیت هسته‌ای است. با این حال، ظرفیت آن نامحدود نیست، نه از نظر وسعت و نه با توجه به اندازه پوشش خطر هسته‌ای از نوع خاصی است و با سایر خطرات متفاوت است. برخی از خسارات از دیدگاه بیمه‌گر قابل محاسبه نیست، به ویژه خسارت وارد به محیط زیست یا خسارت‌هایی که پس از ده سال از حادثه آشکار می‌شود. علاوه بر این، میزان بالقوه خسارت هسته‌ای یک چالش بزرگ برای صنعت بیمه است. در صورت بروز حادثه بزرگ هسته‌ای با هزاران مدعی، هزینه‌های رسیدگی به مطالبات، عامل هزینه اضافی را تشکیل می‌دهد. شرکت‌های بیمه ملی باید

افزون بر آنچه گفته شد، حمایت از پرسنل و کارگزاران بهره‌بردار هسته‌ای نیز اهمیت دارد، زیرا اولین قربانیان تشعشعات اتفاقی، همواره خدمه و کارگزاران بهره‌برداران هسته‌ای هستند. در این زمینه، در حقوق فرانسه نظام حوادث شغلی بر پرسنل و کارگزاران بهره‌بردار هسته‌ای اعمال شده است. در واقع، کنوانسیون پاریس مراقبت از تطبیق دادن مقررات خود بر حوادث شغلی و مفاد کنوانسیون را بر عهده قوانین ملی می‌گذارد. ماده ۱۶ قانون ۳۰ اکتبر ۱۹۶۸ در این مورد تصریح می‌کند که کنوانسیون از قواعد ایجاد شده توسط مقررات مربوط به بیمه‌های اجتماعی و جبران حوادث شغلی و بیماری شغلی تخطی نمی‌کند. بنابراین، کارکنان و پرسنل بهره‌بردار هسته‌ای، افزون بر بهره‌بردار، می‌توانند به بیمه‌های شغلی و تأمین اجتماعی هم رجوع کنند. در این صورت، طبیعی است که پرداخت کننده خسارت حق مراجعه به بهره‌بردار را دارد. شرکت بهره‌بردار هسته‌ای می‌تواند برای خود پرسنل و کارکنان بهره‌برداری هسته‌ای، بیمه‌های گروهی منعقد کند که مزایای تکمیلی بیمه‌های تأمین اجتماعی را در صورت تشعشعات اتفاقی برای آنها تضمین می‌نماید (Lambert-Faivre et Porchy-Simon, 2016: no 976; Bellamy, 2019: 108-120; OECD, 1994: 48; و نیز ر.ک.: قبولی و رضادوست، ۱۳۹۴: ۷۳۱-۷۳۲).

طرح دعوی مستقیم زیان‌دیده علیه بیمه‌گر یا دیگر تضمین‌کننده مالی مسئولیت بهره‌بردار هسته‌ای نیز در مواد ال-۵۹۷-۱۶ و ال-۵۹۷-۳۹ قانون محیط زیست تصریح شده است.

ظرفیت‌های خود را جمع کنند در سطح بین‌المللی، بیمه تکلیفی ضروری است. به ویژه آنکه تجدید نظرهای اخیر در کنوانسیون‌های وین و پاریس، مفهوم خسارت قابل جبران را گسترش می‌دهد و حداقل مبالغ را به صورت قابل توجهی افزایش می‌دهد. و لنگهی، بیمه در برابر اقدامات تروریسم بین‌المللی ظرفیت قابل توجهی در سراسر جهان را مصرف می‌کند. در نتیجه، جای تعجب ندارد که پوشش بیمه‌ای برای حداقل مبلغ خسارت (۳۰۰ میلیون SDR بر مبنای ارزیابی صندوق بین‌المللی پول یا ۷۰۰ میلیون یورو به عنوان خسارت تحت پوشش کنوانسیون‌های اصلاح شده وین و پاریس) در دسترس نباشد...» (Pelzer, 2007: 38-39). برای ملاحظه تفصیل بحث پیرامون بیمه حوادث هسته‌ای و جایگزین‌هایی برای بیمه (مانند استفاده از ذخایر و دارایی بهره‌بردار و توزیع ریسک بین بهره‌برداران، و پوشش حوادث هسته‌ای از حیث نظری و تحلیل اقتصادی، ر.ک.: Faure and Fiore, 2008: 288-322, specially P. 298-305; Faure & Borre, 2008: 248-251;) (Pelzer, 2007: 38-42).

دو - تضمین‌های تکمیلی (تضمین دولتی و همبستگی بین‌المللی)

سطح دوم تضمین‌های پیش‌بینی شده، تضمین‌های تکمیلی هستند. کنوانسیون بروکسل، نظام تضمین قربانیان را فراتر از مسئولیت بهره‌بردار هسته‌ای پیش‌بینی کرد. خود این تضمین تکمیلی دارای دو طبقه‌بندی است:

۱- تضمین دولت محل وقوع تأسیسات هسته‌ای: همان‌طور که مواد ال-۵۹۷-۵ و ۲۹

قانون محیط زیست تصریح می‌کند، دولت باید سهم تضمین فراتر از محدوده قانونی مسئولیت تا ۵۰۰ میلیون یورو را بر اساس کنوانسیون بروکسل که از طریق پروتکل امضا شده در فوریه ۲۰۰۴ بازبینی شده است، بر عهده گیرد. در حقیقت، به دلیل آنکه دولت‌ها اجازه انجام فعالیت‌های هسته‌ای را در خاک خود صادر کرده‌اند و از این فعالیت‌ها منتفع می‌شوند، باید در جبران خسارت‌های قربانیان نیز مداخله کنند و به ویژه در فرض کافی نبودن تضمینات مالی پیش‌بینی شده، باید از عهده جبران خسارت‌های وارده برآیند (ماده ۷ کنوانسیون وین). در اصلاحات کنوانسیون پاریس در سال‌های ۱۹۶۴، ۱۹۸۲ و ۲۰۰۲ نیز به این مهم توجه و تأکید شده است (Lambert-Faivre et Porchy-Simon 2016: no 986). وانگهی، مسئولیت دولت محل استقرار تأسیسات هسته‌ای، برای مداخله در جبران خسارت‌های ناشی از حوادث هسته‌ای با دلایل متعددی توجیه شده است: تصمیم‌گیری درباره اجازه دادن به بهره‌بردار برای انجام فعالیت‌های هسته‌ای، تکلیف نظارت دولت بر انجام فعالیت‌های مزبور به منظور اطمینان حاصل کردن از اینکه از این فعالیت‌ها ضرری بر نمی‌خیزد، مسئولیت کلی دولت برای تأمین رفاه شهروندان، که حتی در مورد حوادث طبیعی مانند سیل و زلزله این مسئولیت برای دولت وجود دارد، و همبستگی ملی و اجتماعی کردن خطرها (OECD, 1994: 26-27).

۲- همبستگی بین‌المللی تکمیلی: با تقویت تضمین دولت محل استقرار تأسیسات، این

همبستگی بین‌دولت‌های کشورهای امضاکننده کنوانسیون بروکسل وجود دارد که از تأمین بودجه برای جبران خسارت قربانیان، در قسمت تکمیلی حداکثر تا ۳۰۰ میلیون یورو در بازنگری ۲۰۰۴، حمایت کنند. با اجرای بازنگری ۲۰۰۴، اگر مبلغ کل خسارت‌ها در مسئولیت مدنی ناشی از حادثه

هسته‌ای، بیشتر از ۱/۵ میلیارد یورو شود، طرفین قرارداد باید از اصل جبران کامل خسارت عدول کنند (Lambert-Faivre et Porchy-Simon, 2016: no 986; Bellamy, 2019: 108-120; Dussart, 2005: 23)

ب- ترتیب حق تقدم بین غرامت‌های مختلف؛ تقدم خسارت‌های بدنی

آنچه تاکنون گفتیم، ناظر به جبران زیان‌های بدنی در اثر حوادث هسته‌ای است. اما نباید فراموش کرد که حادثه هسته‌ای، خسارت‌های مادی قابل توجهی را به دلیل آلودگی ناشی از رادیواکتیو در تمام محیط اطراف آن ایجاد می‌کند. حال، با توجه به اینکه خسارت‌های بدنی ممکن است تنها چندین سال پس از حادثه هسته‌ای آشکار شوند، این خطر قابل ملاحظه وجود

۱- همچنین، در این زمینه، رک: یزدانیان و حبیبیان، ۱۳۹۳: ۱۶۸-۱۶۹ (در اسناد بین‌المللی مسئولیت هسته‌ای به منظور جبران خسارات وارده بر قربانیان حوادث اتمی از اصلی تحت عنوان اصل مداخله دولت در جبران خسارت یاد شده که مورد پذیرش و تأیید کلیه کنوانسیون‌های مذکور، واقع شده است. از جمله موارد اعمال اصل مزبور در بند ۷ کنوانسیون وین متجلی شده است این ماده ناظر بر فرضی است که پوشش بیمه یا تضمینات مالی بهره‌بردار به دلایلی نظیر ورشکستگی وی، غیرقابل دسترس باشد. چنانچه پوشش بیمه بهره‌بردار یا تضمینات مالی وی جهت تأمین مبالغ اشاره شده در بند ۱ ماده ۷ کنوانسیون اصلاحی پاریس (که حداقل آن ۷۰۰ میلیون یورو است)، غیرکافی یا غیرقابل دسترس باشد، تعهد به پرداخت و جبران خسارت‌های اتمی به دولت محل استقرار تأسیسات هسته‌ای تحمیل می‌گردد. بنابراین، معیار، میزان زیان‌های حاصل از حوادث اتمی است که در صورت تجاوز زیان‌ها از حداکثر مقرر در کنوانسیون‌های بین‌المللی، بهره‌بردار تکلیفی به پرداخت مبلغ مازاد نخواهد داشت و مسئله مداخله دولت در تأمین خسارات وارده بر قربانیان مطرح می‌گردد. مصداق بارز این مورد حادثه اتمی فوکوشیما ژاپن در سال ۲۰۱۱ است. دولت ژاپن به عضویت هیچ یک از کنوانسیون‌های بین‌المللی مذکور در نیامده، لیکن دو قانون تحت عنوان قانون جبران خسارات اتمی ۷۳ و قانون مربوط به قرارداد بیمه مسئولیت خسارات اتمی تدوین نموده است که در آنها اصول حاکم بر نظام مسئولیت مدنی هسته‌ای به رسمیت شناخته شده است و دولت ژاپن در مواردی که حادثه اتمی ناشی از یک فاجعه طبیعی عظیم باشد بهره‌بردار را در جبران خسارات مساعدت می‌نماید. چنانکه در جریان حادثه اتمی فوکوشیما، دولت به منظور تسریع جبران خسارات قربانیان یک نهاد جدید تحت حمایت خود را ایجاد نمود که به موجب آن کمک‌های مالی از طرف شرکت‌های برق وابسته به نیروگاه‌های هسته‌ای در ژاپن و از طرف دولت از طریق اوراق قرضه ویژه‌ای که می‌تواند در مواقع لزوم نقد شود، تأمین می‌گردد. این نهاد به عنوان یک بیمه‌گر در صنعت انرژی هسته‌ای عمل خواهد کرد).

دارد که تضمین‌های پیش‌بینی شده صرف جبران خسارت‌های مادی (مالی) و فوت‌های ناگهانی شود و قربانیان بعدی بدون جبران خسارت رها شوند.

ماده ۱۳ قانون فرانسه ۳۰ اکتبر ۱۹۶۸ (مواد ال-۵۹۷-۱۴ و ۳۸ قانون محیط زیست)، این مشکل را مد نظر داشته است: «در صورتی که به دنبال وقوع حادثه هسته‌ای، چنین به نظر برسد که حداکثر مبالغ در دسترس، برای جبران تمام خسارت قربانیان ناکافی باشد، حکم منتشر شده‌ای در شورای وزرا در مهلت ۶ ماهه از روز حادثه، این وضعیت استثنایی را بررسی نموده و شیوه‌های جبران مبالغ را تعیین می‌کنند... در چنین حالتی، مبالغ در دسترس که توسط قانون حاضر پیش‌بینی شده است، براساس قواعد زیر تقسیم می‌شوند: الف- خسارت‌های بدنی با اولویت جبران می‌شوند...^۱ ب- مبالغی که موجود باقی می‌مانند، در صورت لزوم، پس از این اولین جبران خسارت، بین قربانیان به نسبت خسارت‌های بدنی جبران نشده و متناسب با خسارات مادی متحمل شده، که بر اساس قواعد حقوق عرفی ارزیابی شده، تقسیم می‌شود». بنابراین، اولویت مذکور برای جبران خسارت‌های بدنی ضروری است. با وجود این، اجرای این اولویت‌بندی، به دلیل زمان بروز خسارت‌های بدنی که معمولاً با تأخیر مشاهده می‌شوند، دشوار است. آیا باید جبران خسارت‌های مادی از مبالغ در دسترس را در طول ۱۰ سال معلق گذاشت؟ (Lambert- Faivre et Porchy-Simon, 2016: no 987; See also: OECD, 1994: 67; Reitsma, 1999: 347-361).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. ترتیب اولویت بر اساس همان شیوه‌هایی تعیین می‌شود که در مورد حوادث شغلی مشخص گردیده است.

مبحث سوم: مبانی و اصول جبران خسارت بدنی در حوادث هسته‌ای در حقوق ایران؛ لزوم پیش‌بینی نظام خاص

در حقوق ایران، نظام ویژه‌ای برای جبران خسارت ناشی از حوادث هسته‌ای پیش‌بینی نشده است و این حوزه از مسئولیت مدنی تابع قواعد عام ضمان قهری (مسئولیت ناشی از اتلاف و تسبیب) باقی مانده است. البته قانون موافقت‌نامه بین دولت ایران و دولت ممالک متحده آمریکا و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای اعمال اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۴۸/۴/۱۹ (۴ مارس ۱۹۶۹ در وین) در بند ب بخش ۲۸ اعلام می‌دارد: «دولت ایران تضمین می‌نماید که هر نوع حمایت در مورد مسئولیت در قبال شخص ثالث من جمله هر نوع بیمه یا تأمین مالی در قبال سوانح هسته‌ای که در تأسیسات هسته‌ای تحت قلمرو ایران رخ دهد - به نحوی که این حمایت‌ها در مورد اتباع ایران معمول باشد - در مورد آژانس و بازرسان آژانس حین اجرای وظایف موضوع این موافقت‌نامه نیز مجری گردد». قانون مربوط به موافقت بین دولت ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و پروتکل موافقت‌نامه سه جانبه بین دولت ایران و دولت ممالک متحده آمریکا و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مصوب ۲۴ اسفند ۱۳۵۲ مجلس سنا نیز در خصوص خسارت‌های هسته‌ای وارد به شخص ثالث در ماده ۱۶ می‌گوید: «دولت ایران اطمینان خواهد داد که هر گونه حمایتی شامل بیمه یا سایر تأمینات مالی که ممکن است طبق قوانین و مقررات ایران از شخص ثالثی که در مقابل خسارت هسته‌ای مسئول است به عمل آید در مورد آژانس و مأمورین آن همان طور که نسبت به اتباع ایران انجام می‌گیرد به عمل خواهد آمد». بنابراین، گرچه دولت ایران متعهد شده است که برای جبران خسارت‌های ناشی از حوادث هسته‌ای وارد بر بازرسان آژانس، همان حمایت‌های صورت گرفته از اتباع ایران را نسبت به آنها هم اعمال کند؛ ولی چنین حمایت‌هایی نسبت به اتباع ایران هیچ‌گاه به عمل نیامد تا آن را به اتباع دیگر تسری بدهیم. افزون بر قوانین فوق، قانون بیمان بین‌المللی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای مصوب ۱۳۴۸، قانون سازمان انرژی اتمی ایران مصوب ۱۳۵۴، قانون حفاظت در برابر اشعه مصوب ۱۳۶۸ و قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون کم‌کسانی به هنگام وقوع حادثه هسته‌ای یا فوریت

رادیولوژیکی و کنوانسیون اعلام فوری حادثه هسته‌ای مصوب ۱۳۷۹ نیز در ایران تصویب شده‌اند؛ ولی در آنها از مسئولیت مدنی و تعیین مبنای آن و نظام جبران خسارت سخنی به میان نیامده است. آیین‌نامه اجرایی حمل و نقل جاده‌ای مواد خطرناک مصوب ۱۳۸۰ نیز در ماده یک، مواد رادیواکتیو را از مواد خطرناکی دانسته که نسبت به بهداشت یا سلامتی انسان، حیوان و محیط زیست ذاتاً خطرناک است. این آیین‌نامه اختصاص به مواد هسته‌ای یا رادیواکتیو ندارد، بلکه همه کالاهای خطرناک را در بر می‌گیرد. افزون بر آن، آیین‌نامه مزبور حتی در حوزه حمل و نقل مواد خطرناک نیز نظام خاص جبران خسارت برپا نکرده است. بنابراین، لازم است به تطبیق قواعد عمومی مسئولیت مدنی بر مسئولیت ناشی از حوادث هسته‌ای بپردازیم.

بر این اساس، مبانی ناظر بر ایجاد مسئولیت در حوادث هسته‌ای (بند نخست) و اصول جبران خسارت (زیان‌های قابل جبران) و لزوم پیش‌بینی نظام خاص جبران خسارت (بند دوم) در حقوق ایران تبیین خواهد شد.

بند نخست: مبانی ناظر بر ایجاد مسئولیت در حوادث هسته‌ای

تعیین مسئول (الف) و مبنای مسئولیت (ب) به عنوان مبانی مهم حوزه مسئولیت مدنی هسته‌ای در حقوق ایران به ترتیب، مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

الف - تعیین مسئول در حوادث هسته‌ای و مطالعات فرسنگی

در حقوق ایران، در خصوص تعیین شخص مسئول در خسارت‌های ناشی از حوادث هسته‌ای، طبق قاعده باید سراغ قواعد اتلاف و تسبیب رفت و شخصی را که خسارت منتسب به اوست،^۱ مسئول شمرد. این شخص ممکن است بهره‌بردار هسته‌ای، کارکنان او و یا حتی شخص ثالثی باشد. البته در صورتی که پرسنل و کارکنان شخص بهره‌بردار تابع قانون کار باشند، بهره‌بردار

۱. در صورتی که در ضمان ناشی از تسبیب، تقصیر عامل زیان را شرط بدانیم، در حوادث هسته‌ای نیز باید تقصیر عامل زیان احراز گردد تا حکم به مسئولیت او داده شود.

هسته‌ای طبق ماده ۱۲ ق.م.م. مسئولیت خواهد داشت؛ هرچند که پس از جبران خسارت حق مراجعه به کارگر مسئول را دارد. افزون بر آن، مبنای مسئولیت در ماده ۱۲ بر فرض تقصیر استوار شده و کارفرما با اثبات عدم تقصیر از مسئولیت معاف می‌شود (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۸: ش ۱۹۵؛ کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۳۳۷/۲). در حالی که در حقوق فرانسه همانند اسناد بین‌المللی، نه تنها مسئولیت بهره‌بردار هسته‌ای مبتنی بر تقصیر نیست و با اثبات عدم تقصیر نیز مسئولیت منتفی نمی‌شود؛ بلکه رجوع بهره‌بردار اصولاً به اشخاص ثالث، ممنوع است. به این ترتیب، مسئولیت انحصاری شخص بهره‌بردار آن‌طور که در حقوق فرانسه و اسناد بین‌المللی پیش‌بینی شده است، بر اساس قواعد مرسوم مسئولیت مدنی ایران امکان ندارد؛ مگر اینکه قاعده «من له الغنم فعلیه الغرم» را در مسئولیت مدنی جاری بدانیم و معتقد باشیم که مطابق این قاعده، ورود خسارت تنها شرط مسئولیت کسی است که از فعل زیانبار خود نفع برده است؛ که در این صورت بهره‌بردار در برابر زیان‌دیده در هر حال مسئولیت دارد. در مقابل، اگر بر این باور باشیم که قاعده مذکور بیانگر مسئولیت بدون تقصیر است و استناد خسارت به عامل زیان لازم است، برای مسئولیت بهره‌بردار (و نه دیگران) می‌توانیم به این قاعده استناد کنیم؛ مشروط بر اینکه خسارت وارده قابل استناد به بهره‌بردار باشد (درباره مفاد قاعده یادشده، ر.ک: کریمی و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۳۷-۲۷۲، که احتمال اخیر را پذیرفته‌اند).

اما آنچه تعیین مسئول در حوادث هسته‌ای را در حقوق ایران دشوارتر می‌کند، آن است که در کشور ما انجام فعالیت‌های هسته‌ای و بهره‌برداری از تأسیسات اتمی منحصراً در اختیار دولت است و در زمینه مسئولیت مدنی دولت نیز ماده ۱۱ ق.م.م. حاکم است، که موارد مسئولیت دولت را بسیار محدود کرده است. بر این اساس، تحمیل مسئولیت ناشی از حوادث هسته‌ای که ممکن است به صدها میلیارد تومان برسد، بر کارمند نگون‌بخت، دقیقاً مساوی با جبران نشدن خسارات زیان‌دیدگان خواهد بود. حتی ممکن است رویه قضایی فعالیت‌های هسته‌ای را جزء اعمال

حاکمیتی و مشمول قسمت اخیر ماده ۱۱ ق.م.م. بدانند^۱ و به این ترتیب، حتی در فرض نقص وسایل دولتی نیز تنها روزنهٔ مراجعه به دولت را ببندد و از هرگونه جبران خسارت توسط دولت خودداری ورزد. برای اجتناب از این وضعیت خطرناک، لازم است با تفسیرهای مختلف حقوقی بر قلمرو مسئولیت مدنی دولت (که پیش از این، بدان پرداختیم)، افزوده شود و با تفسیر منطقی و روزآمد از اعمال حاکمیت و گسترش مفهوم نقص وسایل اداری، بهره‌برداری هسته‌ای از شمول اعمال حاکمیتی خارج شود یا به استناد مسئولیت اجتماعی دولت و حدیث نبوی (ص) «کلمه مسئول عن رعیت» (احسائی، ۱۴۰۵: ۱۲۹/۱؛ اصفهانی، ۱۴۰۴: ۳۴۹/۸) و تکیه بر هدر نبودن خون مسلمان و موارد متعدد مسئولیت بیت‌المال در متون فقهی و قانون مجازات اسلامی، دولت مکلف به جبران خسارت وارد شده ناشی از حوادث اتمی گردد.

در هر حال، مقررات کنونی و حتی تفسیرهای پیش‌گفته برای حمایت از زیاندیدگان حوادث هسته‌ای کافی نیست و ضرورت دارد که قانونگذار با تصویب قانون جامعی به حمایت از این قربانیان بشتابد.

ب- تعیین مبنای مسئولیت در حوادث هسته‌ای

از حیث مبنای مسئولیت، همان‌طور که در بخش نخست گفتیم، حداقل در حوزه خسارت‌های بدنی مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر نیست، زیرا نه تنها ماده ۴۹۲ ق.م.ا. صرف استناد خسارت به واردکننده زیان بدنی را برای مسئول شمردن او کافی می‌داند؛ بلکه در فقه نیز مسئولیت جانی منوط به تقصیر او نشده است. بنابراین، مسئولیت بهره‌بردار هسته‌ای و به طور کلی مسئولیت هر شخصی که با استفاده از مواد هسته‌ای و انرژی اتمی به دیگری خسارت وارد می‌آورد، مبتنی بر

۱. برای ملاحظه نظری که به استناد بند الف ماده ۶۴ قانون برنامه سوم توسعه، انجام فعالیت‌های هسته‌ای را از مصادیق اعمال حاکمیت معرفی کرده و دولت از جبران خسارات معاف دانسته، ر.ک: یزدانیان و حبیبیان، ۱۳۹۳: ۷۲-۱۷۳ و در تأیید همین نظر، ر.ک: قبولی و رضادوست، ۱۳۹۴: ۷۳۶. با وجود این، قانون پیش‌گفته فعالیت‌های هسته‌ای را به صراحت در شمار اعمال حاکمیتی نیابورده است.

تقصیر نیست؛ بلکه صرف استناد خسارت به او کفایت می‌کند تا مسئول شناخته شود. با وجود این و بر خلاف حقوق فرانسه، بهره‌بردار هسته‌ای مسئول فعل دیگران (غیر از کارگران خود) نیست و در هر حال لازم است که خسارت وارده منتسب به او باشد. قانون مجازات اسلامی نیز در مواد متعددی (مانند مواد ۵۰۰، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۵، ۵۱۶، ۵۱۷ و ۵۱۹)، در فرضی که خسارت ناشی از حوادث خارجی و قوه قاهره است، مسئولیت مدنی را منتفی دانسته است؛ هم‌چنان که اگر تقصیر زیان‌دیده علت منحصر حادثه باشد، حقی بر جبران خسارت ندارد (مواد ۵۰۴ و ۵۳۷ ق.م.ا.).

با وجود این، خطرات ذاتی مربوط به پرتوهای اتمی و مواد رادیواکتیو و دفع فضولات و پسماندهای هسته‌ای و احتمال وقوع انفجار در تأسیسات مربوطه، و حجم بسیار گسترده خسارت‌های بدنی ناشی از حوادث هسته‌ای، و تحمیل مراقبت بیشتر بر بهره‌بردار هسته‌ای (نظارت و احتیاط کامل برای عدم وقوع حادثه هسته‌ای و استخدام نیروی ماهر و زبده و نظارت مستمر بر عملکرد آنها و...) اقتضا می‌کند که قانونگذار ایران نیز بر بهره‌بردار هسته‌ای سخت‌گیری بیشتری نماید و او را مسئول تمام خسارت‌های ناشی از حوادث هسته‌ای، اعم از اینکه ناشی از فعل مستخدمان و کارکنان او باشد یا ناشی از فعل اشخاص ثالث، بداند و حتی مسئولیت بهره‌بردار را در فرض حوادث طبیعی که کاملاً استثنایی و کاملاً غیرقابل پیش‌بینی نیستند، بپذیرد. البته در مواردی که شخص ثالث در ورود خسارت عمد داشته یا مرتکب تقصیر سنگین شده، به دلیل رعایت احتیاط و مراقبت در رفتار دیگران و با هدف بازدارندگی از وقوع خسارت، باید به بهره‌بردار اجازه دهد که پس از جبران خسارت، به عامل مسئول رجوع کند.

بند دوم: اصول جبران خسارت و لزوم پیش‌بینی نظام خاص برای جبران خسارت هسته‌ای

در آغاز، اصول جبران خسارت (زیان‌های قابل جبران) در حوادث هسته‌ای مطرح خواهد شد (الف). آنگاه به لزوم پیش‌بینی نظام خاص جبران خسارت ناشی از حوادث هسته‌ای خواهیم پرداخت (ب).

الف - اصول جبران خسارت (زیان‌های قابل جبران) در حوادث هسته‌ای

از حیث میزان خسارت قابل جبران در حقوق ایران مقررهای پیش‌بینی نشده است. بنابراین، قواعد عمومی مسئولیت مدنی و دیات در این حوزه حکم‌فرما خواهد بود. در نتیجه، تمامی خسارت‌های بدنی و کلیه زیان‌های مالی قابل جبران خواهد بود. برای نمونه، اگر حادثه هسته‌ای سبب فوت تنها هزار نفر شود و دیه نیز سیصد میلیون تومان باشد، صرف‌نظر از زیان‌های مالی (مانند خسارت به محیط زیست، تعطیلی کارخانه و تخلیه املاک مجاور، از دست دادن درآمد و زیان‌های مادی و معنوی ناشی از صدمه بدنی)، سیصد میلیارد تومان دیه به وارثان قربانیان باید پرداخت شود. حال، اگر تعداد کشته‌شدگان بسیار بیشتر باشند و خسارت‌های مادی و معنوی را به آنها اضافه کنیم، رقم سرسام‌آوری را تشکیل خواهد داد که از هم‌اکنون باید برای آن چاره‌ای اندیشیده شود؛ مبلغی که حتی بودجه دولتی نیز ممکن است در صورت گسترده بودن خسارت‌ها، جوابگوی آن نباشد.

در تأیید آنچه بیان شد، می‌توان گفت که کشور ما هنوز به کنوانسیون‌های بین‌المللی راجع به مسئولیت ناشی از حوادث هسته‌ای ملحق نشده است و از این رو، زیان‌دیدگان حوادث مزبور تابع قواعد عمومی بوده و طبق قانون مجازات اسلامی دیه دریافت خواهند کرد و خسارت‌های مالی آنها نیز تابع قواعد عمومی مسئولیت مدنی خواهد بود. در حقیقت، گرچه در پاره‌ای از موارد، مانند حوادث هوایی (موضوع قانون تعیین حدود مسئولیت شرکت‌های هواپیمایی ایرانی مصوب ۱۳۹۱)،^۱

۱. مطابق ماده ۱ این قانون: «مسئولیت شرکت‌های هواپیمایی ایرانی در مورد حمل و نقل مسافران، بار و اثاثیه در پروازهای بین‌المللی، فقط در حدود مسئولیت مقرر در پروازهای بین‌المللی مذکور در قانون اجازه الحاق دولت ایران به کنوانسیون مربوط به یکسان‌سازی برخی از مقررات حمل و نقل هوایی بین‌المللی ورشو مورخ ۱۲ اکتبر ۱۹۲۹... و تشریفات (پروتکل) اصلاحی لاهه مورخ ۲۸ سپتامبر ۱۹۵۵... و در پروازهای داخلی در مورد حمل و نقل مسافران، فقط مطابق قانون مجازات اسلامی و در مورد حمل و نقل بار و اثاثیه محدود به مسئولیت مندرج در کنوانسیون ورشو و تشریفات (پروتکل) اصلاحی لاهه است. تبصره - مبالغ مندرج در کنوانسیون ورشو و تشریفات (پروتکل) اصلاحی لاهه، مذکور در ماده (۱) به ترتیب معادل ۸۳۰۰ و ۱۶۶۰۰ واحد صندوق بین‌المللی پول (SDR) است.» در ماده ۲ نیز تصریح شده است: «اولیای دم متوفیان و یا مصدومان سوانح هوایی داخلی از بابت جبران خسارت بدنی و فوت مجاز به مطالبه دیه و سایر خسارات واردشده فقط براساس قانون مجازات

خسارت‌های بدنی و مالی ناشی از حوادث هواپیمایی بین‌المللی، تابع برخی از کنوانسیون‌های بین‌المللی قرار گرفته است، و در حوادث داخلی، خسارت‌های مالی تابع کنوانسیون‌های مزبور و حوادث بدنی تابع قواعد دیات در قانون مجازات اسلامی به شمار آمده است، ولی در حوادث هسته‌ای، قانونگذار حکمی ندارد. از این رو، به دلیل عدم پیش‌بینی نظام خاص و عدم الحاق به کنوانسیون‌های بین‌المللی، چاره‌ای جز اجرای قواعد عمومی در این زمینه نیست؛ یعنی خسارت‌های بدنی زیاندیدگان حادثه یادشده طبق باب دیات (قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲) و خسارت‌های مالی آنان تابع قانون مدنی، قانون مسئولیت مدنی، قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۴ ق.آ.د.ک. خواهد بود.

ب- لزوم پیش‌بینی نظام خاص جبران خسارت حوادث هسته‌ای

ضرورت حمایت از قربانیان حوادث هسته‌ای را در مبحث نخست بر شمردیم و نهضت جهانی حمایت از زیاندیدگان مزبور را در کنوانسیون‌های مختلف و حقوق فرانسه مطالعه کردیم. بنابراین، تردیدی نیست که کشور ما به عنوان کشور هسته‌ای، باید حمایت‌های لازم را از قربانیان احتمالی چنین حوادثی مقرر کند. به ویژه آنکه مطالعه حقوق ایران نشان می‌دهد که مسئولیت هسته‌ای در آن، تابع قواعد عام مسئولیت مدنی است؛ در حالی که مسئولیت شخصی بهره‌بردار و به ویژه مسئولیت پرسنل و کارکنان او و یا اشخاص ثالث، به هیچ وجه نمی‌تواند خسارت‌های وارده بر قربانیان را پوشش دهد. اوضاع زمانی وخیم‌تر می‌شود که بدانیم فعالیت‌های هسته‌ای در کشور ما در اختیار دولت است و مسئول شناختن بهره‌بردار (دولت) با محدودیت‌های متعدد مذکور در ماده ۱۱ ق.م.م. روبه‌رو می‌شود.

بنابراین، لازم است با استفاده توأمان از بیمه مسئولیت و به ویژه بیمه‌های اتکایی و نیز پیش‌بینی صندوق تأمین خسارت، به حمایت از قربانیان پرداخته شود. منابع مالی چنین صندوقی

اسلامی و از بابت خسارت وارده بر بار و اثاثیه فقط مجاز به مطالبه خسارت وارد شده بر اساس این قانون می‌باشند».

را نیز می‌توان از مالیات بر حامل‌های انرژی، مالیات بر فروش تجهیزات جنگی، بخشی از فروش نفت و مواد نفتی و گازی و بودجه عمومی تأمین کرد.

از این‌رو، پیشنهاد می‌شود که قانونگذار ضمن قانونی جامع، مسئولیت محض بهره‌بردار هسته‌ای و الزام او به اخذ پوشش بیمه را مقرر نماید و افزون بر آن، صندوق خاصی را نیز با منابع مالی پیش‌گفته و نظایر آن، برقرار سازد. همچنین، در صورت تعیین سقف برای مسئولیت بهره‌بردار از سوی شرکت‌های بیمه، لازم است که مسئولیت جبران خسارت‌های مازاد بر سقف تعهد بیمه‌گر، به عهده دولت گذاشته شود تا از این طریق، از زیاندیدگان حوادث هسته‌ای حمایت به عمل آید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نتیجه‌گیری:

به دنبال وقوع حوادث هسته‌ای بزرگ در سال‌های اخیر و شمار زیاد قربانیان آنها، کنوانسیون‌های متعددی در زمینه جبران خسارت قربانیان ناشی از حوادث هسته‌ای به تصویب رسیده است. در حقوق فرانسه، از طریق هدایت و جهت‌دهی مسئولیت به سمت بهره‌بردار هسته‌ای و پذیرفتن مسئولیت محض او (که گاه به دلیل محدودیت بسیار شدید علل معافیت، به مسئولیت مطلق شبیه می‌شود)، تحدید مسئولیت از حیث خسارت قابل جبران، پیش‌بینی بیمه اجباری مسئولیت مدنی و سایر تضمین‌های جبران خسارت از سوی بهره‌بردار و دخالت دولت در پرداخت خسارت‌های قربانیان، تلاش شده است از زیاندیدگان حوادث اتمی حمایت گردد. در مقابل، در کشور ما که دارای فعالیت هسته‌ای است، هیچ حمایتی از قربانیان احتمالی این حوادث به عمل نیامده است. به ویژه آنکه بهره‌بردار از فعالیت‌های هسته‌ای در ایران برعهده دولت است و اقامه دعوی مسئولیت مدنی علیه دولت در این زمینه، با محدودیت‌های پیش‌بینی شده در ماده ۱۱ ق.م.م. مواجه است و حجم بالای خسارت‌های احتمالی نیز مانع از آن است که کارمند دولت بتواند از عهده خسارت‌های وارده برآید. بر این اساس، تشکیل نظام خاص جبران خسارت ناشی از حوادث هسته‌ای، با پذیرفتن مسئولیت بدون تقصیر بهره‌بردار هسته‌ای و الزامی ساختن پوشش بیمه مسئولیت و با اتکا به بیمه‌های اتکایی و تأسیس صندوق خاص، در حقوق ما الزامی است.

بر این اساس و با توجه به شکل‌گیری نظام بین‌المللی جبران خسارت ناشی از حوادث هسته‌ای و سکوت قانونگذار ایران در این زمینه، و با هدف ارائه راهکارهایی برای حمایت از قربانیان صنعت اتمی در کشور ما، پیش‌بینی نظام خاصی برای جبران خسارت زیاندیدگان مزبور ضروری است و برای نیل به این مقصود، تصویب ماده زیر در زمینه مسئولیت ناشی از حوادث هسته‌ای به قانونگذار ایرانی پیشنهاد می‌شود: «دولت جمهوری اسلامی ایران، مکلف به جبران تمامی خسارت‌های وارد شده در اثر حوادث هسته‌ای خواهد بود. برای این منظور، دولت مکلف است صندوق مستقلی را برای جبران خسارت‌های یادشده تشکیل داده و اداره نماید. کسری صندوق از ردیف ویژه قوانین سالیانه بودجه جبران می‌شود».

الف- منابع فارسی و عربی:

۱. احساسی (ابن ابی جمهور)، محمد بن علی، (۱۴۰۵ ق)، عوالی اللئالی العزیزیه، جلد ۱، قم، دار سید الشهداء للنشر.
۲. استوبیر، کارلتون؛ بائر، الک؛ پلزر، نوربرت؛ و تونهوزر، ولفرام، (۱۳۸۸)، حقوق هسته‌ای، مترجم: اصلی عباسی، تهران، مجد.
۳. اصفهانی (مجلسی دوم)، محمداقبر، (۱۴۰۴ ق)، مرآة العقول، جلد ۸، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
۴. بادینی، حسن و جواهرکلام، محمدهادی و رادپور، سجاد، (۱۳۹۱)، «مسئولیت محض؛ مبانی و مصادیق»، مجله حقوق تطبیقی، دوره ۳، شماره اول، ص ۱۹-۳۶.
۵. صفایی، سیدحسین و رحیمی، حبیب‌الله، (۱۳۹۷)، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، تهران، چاپ ۱۱، سمت.
۶. قبولی درافشان، سید محمدمهدی و رضادوست، وحید، (۱۳۹۴)، «مطالعه تطبیقی تعیین مسئول و مبنای جبران خسارت در مسئولیت مدنی ناشی از حوادث مربوط به تأسیسات هسته‌ای در حقوق ایران، فرانسه و اسناد بین‌المللی»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۶، شماره ۲، ص ۷۲۵-۷۵۰.
۷. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۷)، الزامهای خارج از قرارداد: مسئولیت مدنی، جلد ۲، مسئولیت‌های خاص و مختلط، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۸. کریمی، عباس و دیگران، (۱۳۹۷)، «تلاشی در راستای تبیین قاعده ملازمه نفع - مخاطره و جایگاه آن در ضمان قهری شرعی»، مطالعات حقوقی، دوره ۱۰، شماره ۱، ص ۲۳۷-۲۷۲.
۹. محسنی، سعید و یوسفی، سیده فرزانه، (۱۳۹۶)، «مسئولیت مدنی خسارت ناشی از حمل و نقل مواد هسته‌ای در حقوق ایران و مقررات بین‌الملل»، مجله علوم و فنون هسته‌ای، دوره ۳۸، ویژه‌نامه ۱۳۹۶، ص ۱-۱۷.

۱۰. یزدانیان، علیرضا و حبیبیان، هدیه، (۱۳۹۳)، «مسئول جبران خسارات ناشی از حوادث هسته‌ای در کنوانسیون‌های بین‌المللی و حقوق ایران»، مطالعات حقوقی، سال ششم، شماره ۲، ص ۱۵۵-۱۷۵.

ب- منابع لاتین (فرانسوی و انگلیسی):

11. Bellamy, Jonathan, (2019), "Civil Liability for Nuclear Damage in Countries Developing Nuclear New Build Programmes", The Journal of World Energy Law & Business, Vol. 12, Issue 1, p. 108-120.

12. Boulanenkov, Vladimir, (1999), "Présentation des caractéristiques fondamentales de la Convention sur la réparation complémentaire des dommages nucléaires" dans: Réforme de la responsabilité civile nucléaire, Symposium international, Budapest, Hongrie 31 mai-3, Organisé par l'Agence de l'OCDE pour l'énergie nucléaire, p. 161-170.

13. Coleman, Jules, (1992), Risks and Wrongs, Cambridge Studies in Philosophy and Law, first Published, Cambridge University press.

14. De La Fayette, Louise, (1992), "Towards a New Regime of State Responsibility for Nuclear Activities", Journal of Nuclear Law Bulletin, No. 50, p. 7-36.

15. Dussart, Desart, (2005), "The Reform of the Paris Convention on Third Party Liability in the field of Nuclear Energy and of the Brussels Supplementary Convention an Overview of the Main Features of the Modernization of the Two Convention", Journal of Nuclear Law Bulletin, No. 75, p. 7- 33.

16. Faure, Michael G.; & Borre, Tom Vanden, (2008) , "Compensating Nuclear Damage: A Comparative Economic Analysis of the U.S. and International Liability Schemes", William & Mary Environmental Law and Policy Review, Vol. 33, issue 1, p. 219-285.

17. Faure, Michael G.; and Fiore, Karine, (2008), "The Coverage of the Nuclear Risk in Europe: Which Alternative?", Geneva Risk and Insurance Review, Vol. 33, No. 2, p. 288-322.

18. Handrlica, Jakub, (2009), "Facing Plans for Multiplying Nuclear-Powered Vessels: Lessons Gained from the Brussels Convention on the

Liability of Operators of Nuclear Ships of 1962”, International Journal of Nuclear Law, Vol. 2, No. 4, p. 313-333.

19. Hardy, Michael, (1963), “The Liability of Operators of Nuclear Ships”, The International and Comparative Law Quarterly. Vol. 12, No. 3, p. 778-788.

20. Harpwood, Vivienne, (2009), Modern Tort Law, 7th ed., London & New York, Routledge-Cavendish.

21. Heffron, Raphael J.; Ashley, Stephen F.; Nuttall, William J, (2016), “The Global Nuclear Liability Regime Post Fukushima Daiichi”, Progress in Nuclear Energy, Vol. 90, P. 1-10.

22. Lambert-Faivre, Yvonne; et Porchy-Simon, (2016), Stéphanie, Droit du dommage corporel, Systèmes d’indemnisation, 8e éd., Paris, Dalloz.

23. Lamm, Vanda, (1998), “The Protocol Amending the Vienna Convention”, Journal of Nuclear Law Bulletin. No. 61, p. 7- 24.

24. Mazeaud, Henry, (1991), Leon et Jean, Leçons de droit civil, obligation, théorie générale, par: François Chabas, Paris, Montchestien.

25. McIntosh, Steven, (1999), “Nécessité de mettre en œuvre le nouveau régime global de responsabilité civile nucléaire”, dans: Réforme de la responsabilité civile nucléaire, Symposium international, Budapest, Organisé par l’Agence de l’OCDE pour l’énergie nucléaire, p. 185-192.

26. McRae, Ben, (2015), “Entry into Force of the Convention on Supplementary Compensation for Nuclear Damage: Opening the Umbrella”, Nuclear Law Bulletin, OECD Publishing, p. 7-25.

27. McRae, Ben, (1998), “The Compensation Convention: Path to a Global Regime for Dealing with legal Liability and Compensation for Nuclear Damage”, Journal of Nuclear Law Bulletin, vol. 61, p. 25-38.

28. Mcrae, Ben, (2012), “The Convention on Supplementary Compensation for Nuclear Damage: Catalyst for a Global Nuclear Liability Regime”, Nuclear Law Bulletin, vol. 2007, p. 17-35.

29. McRae, Ben, (1999), “Aperçu de la convention sur le réparation complémentaire”, dans: Réforme de la responsabilité civile nucléaire, Symposium international, Budapest, Organisé par l’Agence de l’OCDE pour l’énergie nucléaire, p. 171-183

30. OECD Nuclear Energy Agency, (1994), *Liability and Compensation for Nuclear Damage: An International Overview*, Nuclear Energy Agency, Organisation for Economic Co-operation and Development.

31. Ollier, Pierre D., (1983), *Liability for Damage Caused by Things; Nuclear Energy*, in: *Encyclopedia of comparative law*, Volume XI: Torts, Part I, Edited by Anderé Tunc, The Hague-Boston, London.

32. Pelzer, Norbert Göttingen, (2011), "The Indian Civil Liability for Nuclear Damage Act 2010 Legislation With Flaws?", *International Journal for Nuclear Power*, vol. 56, Issue 1 , p. 2-9.

33. Pelzer, Norbert, (1999), "Focus on the Future of Nuclear Liability Law", vol. 17, Issue 4, *Journal of Energy & Natural Resources Law*, p. 332-353.

34. Pelzer, Norbert, (2007), "International pooling of Operator's Funds: an Option to Increase the Amount of Financial Security to Cover Nuclear Liability", *Journal of Nuclear Law Bulletin*, vol.79, p. 37-55.

35. Quéré, Alain, (2014), "Challenges Facing the Insurance Industry since the Modernisation of the International Nuclear Third Party Liability Regime", *Nuclear Law Bulletin*. Issue 2, p. 77-104.

36. Radetzki, Marcus, (1999), "Limitation of Third Party Nuclear Liability: Causes, Implications and Future Possibilities", *Journal of Nuclear Law Bulletin*, vol. 63, p. 7-24.

37. Reitsma, Sebastiaan M.S., (1999), "Répartition équitable de la réparation: un objectif réaliste ou un vœux pieux?", dans: *Réforme de la responsabilité civile nucléaire*, Symposium international, Budapest, Hongrie 31 mai- 3 juin, Organisé par l'Agence de l'OCDE pour l'énergie nucléaire, p. 347-361.

38. Sands, Philippe Joseph,(1988), *Chernobyl: Law and Communication*, Gomer Press.

39. Schwartz, J. A., (2006), "International Nuclear Third Party Liability Law: The Response to Chernobyl (OECD Nuclear Energy Agency, Legal Affairs, Paris (France))", *International nuclear law in the post-Chernobyl period*, vol. 37, Issue I, p. 37-72.

40. Swartz, Nathan, (2016), "The Impact of the Convention on Supplementary Compensation for Nuclear Damage", U. Pa. Asian L. Rev., vol. 12, Issue 2, p. 312-352.

41. Viney, Geneviève, (1995), *Traité de droit civil, introduction à la responsabilité*, Paris, L.G.D.J., 2^e éd., 1995, et 3^e éd, 2009.

42. Viney, Geneviève; et Jourdain, Patrice, *Traité de droit civil*, (1998), Patrice, *Traité de droit civil*, (1998), *Les conditions de la responsabilité*, So Les conditions de la responsabilité, Sous la direction Jacques Ghestin, 2^e éd, Paris, L.G.D.J.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Foundations and Principles of Corporal Injury Compensation in Nuclear Accidents; Comparative Study of French Law and International Conventions

Mohammad Hadi Javaherkalam¹

Abstract

In this article, the principles of corporal injury compensation in nuclear accidents are studied through a comparative study of French law and international conventions. The purpose of this study was to provide a model for establishing a special system of compensation for corporal injury in nuclear accidents in Iranian law. The main question in advanced legal systems is what is the basis of civil liability in case of nuclear accidents, and what principles does compensation for victims of nuclear accidents follow. Through a descriptive-analytical research method and by studying the subject in French law and international documents, we came to the conclusion that civil liability in nuclear accidents is directed towards the nuclear exploiter and the liability is not based on fault; Rather, even the reasons for the exemption from liability are very limited, and perhaps the force majeure and the fault of a third party do not preclude liability for nuclear user. Also, through insurance and liability of the member states of the conventions and the like, an attempt has been made to forecast a fund to compensate for the accidents and its financial resources has been provided. Whereas in Iranian law, liability for nuclear accidents is subject to the general rules of civil liability and does not provide any effective protection to victims of nuclear disasters. Therefore, it is proposed to establish a "special system for compensation for nuclear accidents" focusing on state responsibility and the provision of an independent fund.

KeyWords: *Nuclear Accidents, Corporal injury Compensation, Basis of Civil Liability, Nuclear Exploiter, Compensation Fund.*

1. Assistant Professor of Private Law, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabatabai University, (Email: dr.javaherkalam@yahoo.com).

ابعاد و کاربردهای دانشنامه‌ای مقاله

